



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# مہاجرین و انصار

از دیدگاه قرآن و حدیث

(تفسیر موضوعی المیزان)

به اهتمام: سید مهدی امین

یا نظارت: دکتر محمد بیستونی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامعه شایسته (مهاجرین و انصار) از دیدگاه قرآن و حدیث

نویسنده:

مهدی امین

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	جامعه شایسته (مهاجرین و انصار) از دیدگاه قرآن و حدیث
۸	مشخصات کتاب
۸	فهرست مطالب
۱۰	تقدیم به
۱۱	متن تأییدیه حضرت آیه‌الله محمد یزدی
۱۱	متن تأییدیه حضرت آیه‌الله مرتضی مقتدایی
۱۲	متن تأییدیه حضرت آیه‌الله سیدعلی اصغر دستغیب نماینده محترم خبرگان رهبری در استان فارس
۱۲	مقدمه ناشر
۱۳	مقدمه مؤلف
۱۵	فصل اول: مدینه فاضله
۱۵	وعده جامعه موعود در قرآن
۱۵	وعده حکومت صالحین
۱۶	مجتمع صالح، وارث زمین
۱۶	جامعه موعود و مهدی موعود
۱۷	مشخصه یک جامعه صالح
۱۸	جامعه صالحان: وارثان نهایی زمین
۱۸	فصل دوم: زیربناهای جامعه صالح اسلامی
۱۸	فطرت و اسلام، دو زیربنای جامعه صالح
۱۹	نقش انبیاء در تشکیل جوامع صالح
۲۱	نقش توحید در تشکیل جامعه صالح
۲۱	نقش اخلاق و تقوی در جامعه صالح اسلامی
۲۳	تعلیمات جامعه صالح

- ۲۴ ..... فصل سوم: مهاجرین و انصار
- ۲۴ ..... تشکیل دهندگان اولین جامعه صالح
- ۲۴ ..... مهاجرین اولیه و تشکیل اولین جامعه صالح اسلامی
- ۲۴ ..... سازندگان اولین جامعه صالح
- ۲۵ ..... چه کسانی در ساخت اولین جامعه صالح نقش داشتند؟
- ۲۵ ..... بهترین امت
- ۲۵ ..... امت محمد صلی الله علیه و آله
- ۲۷ ..... امت وسط
- ۲۷ ..... مدینیتی که اسلام به ارمغان آورد
- ۲۹ ..... حالات مسلمین اولیه
- ۲۹ ..... «الذین آمنوا» در قرآن
- ۳۰ ..... طبقات اولیه مسلمین صدر اسلام
- ۳۱ ..... تابعین به احسان
- ۳۲ ..... برادر خواندگی: برقراری ولایت بین مهاجرین و انصار
- ۳۳ ..... نسخ ولایت در ارث، در برادرخواندگی
- ۳۴ ..... آن روز دو سرزمین وجود داشت
- ۳۵ ..... زنان مهاجر
- ۳۶ ..... شرایط بیعت زنان مهاجر
- ۳۷ ..... فصل چهارم: بحثی در جامعه اسلامی
- ۳۷ ..... اجتماع از نظر اسلام
- ۳۸ ..... اتحاد و سازگاری در جامعه اسلامی
- ۳۹ ..... رابطه فرد و اجتماع در اسلام
- ۴۰ ..... ضامن اجرائی احکام اجتماعی اسلام
- ۴۰ ..... دوام روش‌های اجتماعی اسلام

- ۴۲ ..... تأثیر روش‌های اجتماعی اسلام بر جامعه انسانی
- ۴۳ ..... ابراز صلاحیت اسلام برای رهبری جامعه بشری
- ۴۳ ..... اختلاف شعارهای اجتماعی اسلام با غرب
- ۴۴ ..... هدف جامعه متمدن امروز
- ۴۴ ..... علت سازگار بودن تمدن غرب با ذائقه مردم
- ۴۵ ..... نقدی بر روش پیروی از اکثریت در اداره جامعه
- ۴۶ ..... تفرق در امت اسلامی
- ۴۷ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## جامعه شایسته (مهاجرین و انصار) از دیدگاه قرآن و حدیث

### مشخصات کتاب

سرشناسه : امین، سیدمهدی، ۱۳۱۶ - گردآورنده  
عنوان و نام پدیدآور : جامعه شایسته (مهاجرین و انصار) از دیدگاه قرآن و حدیث / به اهتمام سیدمهدی امین؛ با نظارت محمد بیستونی.

مشخصات نشر : قم: بیان جوان ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۱۲۸ ص. ۱۱ × ۵/۱۶ س.م.

فروست : تفسیر علامه [ج. ۳۱].

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۸-۱۲۴-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : این کتاب بر اساس کتاب "المیزان فی تفسیر القرآن" تألیف سیدمحمدحسین طباطبایی است.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : المیزان فی تفسیر القرآن.

موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : صحابه

موضوع : اسلام و اجتماع

شناسه افزوده : بیستونی محمد، ۱۳۳۷ - شناسه افزوده : طباطبائی محمدحسین ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰. المیزان فی تفسیر القرآن

شناسه افزوده : تفسیر علامه [ج. ۳۱].

رده بندی کنگره : BP۹۸/الف ۸۳ت ۷ ج. ۳۱. ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۱۶۲۳۵

### فهرست مطالب

موضوع صفحه

تأییدیه آیه‌الله محمد یزدی رئیس شورایی عالی مدیریت حوزه علمیه ۵۰۰۰

تأییدیه آیه‌الله مرتضی مقتدائی مدیریت حوزه علمیه قم ۶۰۰۰

تأییدیه آیه‌الله سیدعلی اصغر دستغیب نماینده خبرگان رهبری ۷۰۰۰

مقدمه ناشر ۸۰۰۰

مقدمه مؤلف ۱۲۰۰۰

فصل اول : مدینه فاضله

وعدده جامعه موعود در قرآن ۱۷۰۰۰

وعدده حکومت صالحین ۱۷۰۰۰



(۱۵۱)

مجتمع صالح، وارث زمین ۱۹۰۰۰

جامعه موعود و مهدی موعود ۲۰۰۰۰

مشخصه یک جامعه صالح ۲۳۰۰۰

(۱۵۲)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

جامعه صالحان: وارثان نهایی زمین ۲۵۰۰۰

فصل دوم: زیربناهای جامعه صالح اسلامی

فطرت و اسلام، دو زیربنای جامعه صالح ۲۷۰۰۰

نقش انبیاء در تشکیل جوامع صالح ۳۱۰۰۰

نقش توحید در تشکیل جامعه صالح ۳۵۰۰۰

نقش اخلاق و تقوی در جامعه صالح اسلامی ۳۸۰۰۰

تعلیمات جامعه صالح ۴۲۰۰۰

فصل سوم: مهاجرین و انصار

(۱۵۳)

تشکیل دهندگان اولین جامعه صالح

مهاجرین اولیه و تشکیل اولین جامعه صالح اسلامی ۴۵۰۰۰

سازندگان اولین جامعه صالح ۴۸۰۰۰

(۱۵۴)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

چه کسانی در سخت اولین جامعه صالح نقش داشتند ۴۹۴۰۰۰

بهترین امت ۵۰۰۰۰

امت محمد صلی الله علیه و آله ۵۱۰۰۰

امت وسط ۵۶۰۰۰

مدنیتی که اسلام به ارمغان آورد ۵۸۰۰۰

حالات مسلمین اولیه ۶۲۰۰۰

الذین آمنوا در قرآن ۶۵۰۰۰

طبقات اولیه مسلمین صدر اسلام ۶۸۰۰۰

(۱۵۵)

تابعین به احسان ۷۱۰۰۰

برادر خواندگی: برقراری ولایت بین مهاجرت و انصار ۷۳۰۰۰

(۱۵۶)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

۷۷۰۰۰ نسخ ولایت در ارث، در برادرخواندگی

۷۸۰۰۰ دارالاسلام: تقسیمات جغرافیایی ایمان و کفر

۸۲۰۰۰ آن روز دو سرزمین وجود داشت

۸۴۰۰۰ زنان مهاجر

۸۷۰۰۰ شرایط بیعت زنان مهاجر

فصل چهارم: بحثی در جامعه اسلامی

۹۱۰۰۰

اجتماع از نظر اسلام ۹۱۰۰۰

۹۳۰۰۰ اتحاد و سازگاری در جامعه اسلامی

(۱۵۷)

۹۶۰۰۰ رابطه فرد و اجتماع در اسلام

۱۰۰۰۰۰ ضامن اجرائی احکام اجتماعی اسلام

(۱۵۸)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

۱۰۲۰۰۰ دوام روش‌های اجتماعی اسلام

۱۰۹۰۰۰ تأثیر روش‌های اجتماعی اسلام بر جامعه انسانی

۱۱۰۰۰۰ ابراز صلاحیت اسلام برای رهبری جامعه بشری

۱۱۱۰۰۰ اختلاف شعارهای اجتماعی اسلام با غرب

۱۱۴۰۰۰ هدف جامعه متمدن امروز

۱۱۶۰۰۰ علت سازگار بودن تمدن غرب با ذائقه مردم

۱۱۹۰۰۰ نقدی بر روش پیروی از اکثریت در اداره جامعه

۱۲۱۰۰۰ تفرق در امت اسلامی

(۱۵۹)

**تقدیم به**

إِلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَإِلَى مَوْلَانَا

وَمَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى بَضْعِهِ

الْمُصْطَفَى وَبَهْجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَإِلَى سَيِّدَتِي

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَيْمَةِ التَّشْعَةِ  
 الْمُعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ لِأَسِيْمَا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ  
 الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَانِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ،  
 الْحُجَّهٖ بِنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ  
 الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُدِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدْ مَسَّنَا  
 (۴)

وَ أَهْلَنَا الضَّرَفَ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جِنَا بِيضَاعِهِ  
 مُرْجَاهُ مِنْ وَ لَائِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنَّكَ وَ  
 فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ  
 أَنَا تَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

### متن تأییدیه حضرت آیه‌الله محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری و رییس شورای عالی مدیریت حوزه علمیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن کریم این بزرگ‌ترین هدیه آسمانی و عالی‌ترین چراغ هدایت که خداوند عالم به وسیله آخرین پیامبرش برای بشریت  
 فر فرستاده است؛ همواره انسان‌ها را دستگیری و راهنمایی نموده و می‌نماید. این انسان‌ها هستند که به هر مقدار بیشتر با این نور و  
 رحمت

(۵)

ارتباط برقرار کنند بیشتر بهره می‌گیرند. ارتباط انسان‌ها با قرآن کریم با خواندن، اندیشیدن، فهمیدن، شناختن اهداف آن شکل  
 می‌گیرد. تلاوت، تفکر، دریافت و عمل انسان‌ها به دستورالعمل‌های آن، سطوح مختلف دارد. کارهایی که برای تسهیل و روان و  
 آسان کردن این ارتباط انجام می‌گیرد هر کدام به نوبه خود ارزشمند است. کارهای گوناگونی که دانشمند محترم جناب آقای دکتر  
 بیستونی برای نسل جوان در جهت این خدمت بزرگ و امکان ارتباط بهتر نسل جوان با قرآن انجام داده‌اند؛ همگی قابل تقدیر و  
 تشکر و احترام است. به علاقه‌مندان بخصوص جوانان توصیه می‌کنم که از این آثار بهره‌مند شوند.

توفیقات بیش از پیش ایشان را از خداوند متعال خواهانم.

محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری ۱/۲/۱۳۸۸

(۶)

### متن تأییدیه حضرت آیه‌الله مرتضی مقتدایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توفیق نصیب گردید از مؤسسه قرآنی تفسیر جوان بازدید داشته باشم و مواجه شدم با یک باغستان گسترده پر گل و متنوع که  
 به‌طور یقین از معجزات قرآن است که این ابتکارات و روش‌های نو و جالب را به ذهن یک نفر که باید مورد عنایت ویژه قرار  
 گرفته باشد القاء نماید تا بتواند در سطح گسترده کودکان و جوانان و نوجوانان و غیرهم را با قرآن مجید مانوس به‌طوری که مفاهیم

بلند و باارزش قرآن در وجود آنها نقش بسته و روش آنها را الهی و قرآنی نماید و آن برادر بزرگوار جناب آقای دکتر محمد بیستونی است که این توفیق نصیب ایشان گردیده و ذخیره عظیم و باقیات الصالحات جاری برای آخرت ایشان هست. به امید این که همه اقدامات با خلوص قرین و مورد توجه

(۷)

ویژه حضرت بقیت‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه باشد.

مرتضی مقتدایی

به تاریخ یوم شنبه پنجم ماه مبارک رمضان المبارک ۱۴۲۷

(۸)

### متن تأییدیه حضرت آیه‌الله‌سیدعلی اصغر دستغیب نماینده محترم خبرگان رهبری در استان فارس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (۸۹ / نحل)

تفسیر المیزان گنجینه گرانبھائی است که به مقتضای این کریمه قرآنی حاوی جمیع موضوعات و عناوین مطرح در زندگی انسان‌ها می‌باشد. تنظیم موضوعی این مجموعه نفیس اولاً موجب آن است که هر کس عنوان و موضوع مدنظر خویش را به سادگی پیدا کند و ثانیاً زمینه مناسبی در راستای تحقیقات موضوعی برای پژوهشگران و اندیشمندان جوان حوزه و دانشگاه خواهد بود.

این توفیق نیز در ادامه برنامه‌های مؤسسه قرآنی تفسیر جوان در تنظیم و نشر آثار

(۹)

قرآنی مفسرین بزرگ و نامی در طول تاریخ اسلام، نصیب برادر ارزشمندم جناب آقای دکتر محمد بیستونی و گروهی از همکاران قرآن‌پژوه ایشان گردیده است. امیدوارم همچنان از توفیقات و تأییدات الهی برخوردار باشند.

سیدعلی اصغر دستغیب

۲۸/۹/۸۶

(۱۰)

### مقدمه ناشر

براساس پژوهشی که در مؤسسه قرآنی تفسیر جوان انجام شده، از صدر اسلام تاکنون حدود ۱۰/۰۰۰ نوع تفسیر قرآن کریم منتشر گردیده است که بیش از ۹۰٪ آنها به دلیل پرحجم بودن صفحات، عدم اعرابگذاری کامل آیات و روایات و کلمات عربی، نثر و نگارش تخصصی و پیچیده، قطع بزرگ کتاب و... صرفاً برای «متخصصین و علاقمندان حرفه‌ای» کاربرد داشته و افراد عادی جامعه به ویژه «جوانان عزیز» آنچنان که شایسته است نمی‌توانند از این قبیل تفاسیر به راحتی استفاده کنند.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان ۱۵ سال برای ساده‌سازی و ارائه تفسیر موضوعی و کاربردی در کنار تفسیر ترتیبی تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز نموده است که چاپ و انتشار تفسیر جوان (خلاصه ۳۰ جلدی تفسیر نمونه، قطع جیبی) و تفسیر نوجوان (۳۰ جلدی، قطع

جیبی

(۱۱)

کوچک) و بیش از یکصد تفسیر موضوعی دیگر نظیر باستان‌شناسی قرآن کریم، رنگ‌شناسی، شیطان‌شناسی، هنرهای دستی، ملکه

گمشده و شیطانی همراه، موسیقی، تفاسیر گرافیکی و... بخشی از خروجی‌های منتشر شده در همین راستا می‌باشد. کتابی که ما و شما اکنون در محضر نورانی آن هستیم حاصل تلاش ۳۰ ساله «استادارجمند جناب آقای سیدمهدی امین» می‌باشد. ایشان تمامی مجلدات تفسیرالمیزان را به دقت مطالعه کرده و پس از فیش برداری، مطالب را «بدون هیچ گونه دخل و تصرف در متن تفسیر» در هفتاد عنوان موضوعی تفکیک و برای نخستین بار «مجموعه ۷۰ جلدی تفسیر موضوعی المیزان» را تدوین نموده که هم به صورت تک موضوعی و هم به شکل دوره‌ای برای جوانان عزیز قابل استفاده کاربردی است. «تفسیر المیزان» به گفته شهید آیه‌الله مطهری (ره) «بهترین تفسیری است که در میان (۱۲) مهاجرین و انصار

شیعه و سنی از صدر اسلام تا امروز نوشته شده است». «المیزان» یکی از بزرگ‌ترین آثار علمی علامه طباطبائی (ره)، و از مهم‌ترین تفاسیر جهان اسلام و به حق در نوع خود کم‌نظیر و مایه مباهات و افتخار شیعه است. پس از تفسیر تبیان شیخ طوسی (م ۴۶۰ه) و مجمع‌البیان شیخ طبرسی (م ۵۴۸ه) بزرگ‌ترین و جامع‌ترین تفسیر شیعی و از نظر قوت علمی و مطلوبیت روش تفسیری، بی‌نظیر است. ویژگی مهم این تفسیر به کارگیری تفسیر قرآن به قرآن و روش عقلی و استدلالی است. این روش در کار مفسر تنها در کنار هم گذاشتن آیات برای درک معنای واژه خلاصه نمی‌شود، بلکه موضوعات مشابه و مشترک در سوره‌های مختلف را کنار یکدیگر قرار می‌دهد، تحلیل و مقایسه می‌کند و برای درک پیام آیه به شیوه تدبیری و اجتهادی توسل می‌جوید. یکی از ابعاد چشمگیر المیزان، جامعه‌گرایی تفسیر است. بی‌گمان این خصیصه از مقدمه ناشر (۱۳)

اندیشه و گرایش‌های اجتماعی علامه طباطبائی (ره) برخاسته است و لذا به مباحثی چون حکومت، آزادی، عدالت اجتماعی، نظم اجتماعی، مشکلات امت اسلامی، علل عقب ماندگی مسلمانان، حقوق زن و پاسخ به شبهات مارکسیسم و ده‌ها موضوع روز، روی آورده و به‌طور عمیق مورد بحث و بررسی قرار داده است.

شیوه مرحوم علامه به این شرح است که در آغاز، چند آیه از یک سوره را می‌آورد و آیه، آیه، نکات لغوی و بیانی آنرا شرح می‌دهد و پس از آن، تحت عنوان بیان آیات که شامل مباحث موضوعی است به تشریح آن می‌پردازد. ولی متأسفانه قدر و ارزش این تفسیر در میان نسل جوان ناشناخته مانده است و بنده در جلسات فراوانی که با دانشجویان یا دانش‌آموزان داشته‌ام همواره نیاز فراوان آنها را به این تفسیر دریافته‌ام و به همین دلیل نسبت به همکاری با جناب آقای (۱۴) مهاجرین و انصار

سیدمهدی امین اقدام نموده‌ام.

امیدوارم این قبیل تلاش‌های قرآنی ما و شما برای روزی ذخیره شود که به جز اعمال و نیات خالصانه، هیچ چیز دیگری کارساز نخواهد بود.

دکتر محمد بیستونی

رئیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

تهران - تابستان ۱۳۸۸

مقدمه ناشر (۱۵)

**مقدمه مؤلف**

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

این قرآنی است کریم

در کتابی مکنون

که جز دست پاکان و فهم خاصان بدان نرسد!

(۷۷ - ۷۹ / واقعه)

این کتاب به منزله یک «کتاب مرجع» یافرننگ معارف قرآن است که از «تفسیر المیزان» انتخاب و

(۱۶)

تلخیص، و بر حسب موضوع طبقه‌بندی شده است.

در تقسیم‌بندی به عمل آمده از موضوعات قرآن کریم قریب ۷۰ عنوان مستقل به دست آمد. هر یک از این موضوعات اصلی، عنوان مستقلی برای تهیه یک کتاب در نظر گرفته شد. هر کتاب در داخل خود به چندین فصل یا عنوان فرعی تقسیم گردید. هر فصل نیز به سرفصل‌هایی تقسیم شد. در این سرفصل‌ها آیات و مفاهیم قرآنی از متن تفسیر المیزان انتخاب و پس از تلخیص، به روال منطقی، طبقه‌بندی و درج گردید، به طوری که خواننده جوان و محقق ما با مطالعه این مطالب کوتاه وارد جهان شگفت‌انگیز آیات و معارف قرآن عظیم گردد. در پایان کار، مجموع این معارف به قریب ۵ هزار عنوان یا سرفصل بالغ گردید.

از لحاظ زمانی: کار انتخاب مطالب و فیش‌برداری و تلخیص و نگارش، از

مقدمه مؤلف (۱۷)

اواخر سال ۱۳۵۷ شروع و حدود ۳۰ سال دوام داشته، و با توفیق الهی در لیالی مبارکه قدر سال ۱۳۸۵ پایان پذیرفته و آماده چاپ و نشر گردیده است.

هدف از تهیه این مجموعه و نوع طبقه‌بندی مطالب در آن، تسهیل مراجعه به شرح و تفسیر آیات و معارف قرآن شریف، از جانب علاقمندان علوم قرآنی، مخصوصاً محققین جوان است که بتوانند اطلاعات خود را از طریق بیان مفسری بزرگ چون علامه فقید آیه‌الله طباطبایی دریافت کنند، و برای هر سؤال پاسخی مشخص و روشن داشته باشند.

سال‌های طولانی، مطالب متعدد و متنوع درباره مفاهیم قرآن شریف می‌آموختیم اما وقتی در مقابل یک سؤال درباره معارف و شرایع دین مان قرار می‌گرفتیم، یک جواب مدون و مشخص نداشتیم بلکه به اندازه مطالب متعدد و متنوعی که شنیده بودیم باید

(۱۸) مهاجرین و انصار

جواب می‌دادیم. زمانی که تفسیر المیزان علامه طباطبایی، قدس‌الله سره الشریف، ترجمه شد و در دسترس جامعه مسلمان ایرانی قرار گرفت، این مشکل حل شد و جوابی را که لازم بود می‌توانستیم از متن خود قرآن، با تفسیر روشن و قابل اعتماد فردی که به اسرار مکنون دست یافته بود، بدهیم. اما آنچه مشکل می‌نمود گشتن و پیدا کردن آن جواب از لابلای چهل (یا بیست) جلد ترجمه فارسی این تفسیر گرانمایه بود. لذا این ضرورت احساس شد که مطالب به صورت موضوعی طبقه‌بندی و خلاصه شود و در قالب یک دائرةالمعارف در دسترس همه دین‌دوستان قرار گیرد. این همان انگیزه‌ای بود که موجب تهیه این مجلدات گردید.

بدیهی است این مجلدات شامل تمامی جزئیات سوره‌ها و آیات الهی قرآن نمی‌شود، بلکه سعی شده مطالبی انتخاب شود که در تفسیر آیات و مفاهیم قرآنی، علامه بزرگوار به شرح و بسط و تفهیم مطلب پرداخته است.

مقدمه مؤلف (۱۹)

اصول این مطالب با توضیح و تفصیل در «تفسیر المیزان» موجود است که خواننده می‌تواند برای پی‌گیری آن‌ها به خود المیزان

مراجعه نماید. برای این منظور مستند هر مطلب با ذکر شماره مجلد و شماره صفحه مربوطه و آیه مورد استناد در هر مطلب قید گردیده است.

ذکر این نکته لازم است که چون ترجمه تفسیر المیزان به صورت دو مجموعه ۲۰ جلدی و ۴۰ جلدی منتشر شده بهتر است در صورت نیاز به مراجعه به ترجمه المیزان، بر اساس ترتیب عددی آیات قرآن به سراغ جلد مورد نظر خود، صرف نظر از تعداد مجلدات بروید. و مقدر بود که کار نشر چنین مجموعه آسمانی در مؤسسه‌ای انجام گیرد که با هدف نشر معارف قرآن شریف، به صورت تفسیر، مختص نسل جوان، (۲۰) مهاجرین و انصار

تأسیس شده باشد، و استاد مسلم، جناب آقای دکتر محمد بیستونی، اصلاح و تنقیح و نظارت همه‌جانبه بر این مجموعه قرآنی شریف را به عهده گیرد.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان با ابتکار و سلیقه نوین، و به منظور تسهیل در رساندن پیام آسمانی قرآن مجید به نسل جوان، مطالب قرآنی را به صورت کتاب‌هایی در قطع جیبی منتشر می‌کند. این ابتکار در نشر همین مجلدات نیز به کار رفته، تا مطالعه آن در هر شرایط زمانی و مکانی، برای جوانان مشتاق فرهنگ الهی قرآن شریف، ساده و آسان گردد... و ما همه بندگانی هستیم هر یک حامل وظیفه تعیین شده از جانب دوست، و آنچه انجام شده و می‌شود، همه از جانب اوست! و صلوات خدا بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و خاندان جلیلش باد که نخستین حاملان این مقدمه مؤلف (۲۱)

وظیفه الهی بودند، و بر علامه فقید آیه‌الله طباطبایی و اجداد او، و بر همه وظیفه‌داران این مجموعه شریف و آباء و اجدادشان باد، که مسلمان شایسته‌ای بودند و ما را نیز در مسیر شناخت اسلام واقعی پرورش دادند!

لیله قدر سال ۱۳۸۵

سید مهدی حبیبی امین

(۲۲) مهاجرین و انصار

## فصل اول: مدینه فاضله

### وعده جامعه موعود در قرآن

#### وعده حکومت صالحین

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»

(۵۵ / نور)

(۲۳)

این آیه وعده جمیلی است که به مؤمنین، آن‌ها که عمل صالح هم دارند، متوجه است. به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دین‌شان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند، می‌کند، امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان و از کفار و جلوگیری‌هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند!

خطاب در این آیه به عموم مسلمین است، که در میان آنان هم منافق هست و هم مؤمن و مؤمنین ایشان نیز دو طایفه‌اند: یکی

کسانی که عمل صالح می‌کنند و یکی آنان که عمل صالح ندارند، ولی وعده‌ای که در آن آمده مخصوص کسانی است که هم ایمان داشته باشند و هم اعمالشان صالح است.

(۲۴) مهاجرین و انصار

آیه مورد بحث از مردمی خبر می‌دهد که بعد از ارث بردن زمین، اجتماعی صالح تشکیل می‌دهند.

بدون شک آیه شریفه درباره بعضی از افراد امت است، نه همه امت و نه اشخاص معینی از امت و این افراد عبارتند از کسانی که مصداق «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» بوده باشند.

### مجتمع صالح، وارث زمین

مراد از خلیفه شدن آن‌ها در زمین نظیر استخلاف نیاکان و امم گذشته این است که اجتماعی صالح از آنان تشکیل دهد که زمین را ارث ببرند، آن طور که

مجتمع صالح، وارث زمین (۲۵)

نیاکان و امم گذشته صاحبان قوت و شوکت ارث بردند و این استخلاف قائم به «مجتمع صالح» ایشان است، نه به افراد معینی از ایشان، هم‌چنان که در امت‌های قبل از ایشان قائم به مجتمع بود.

مراد به تمکین دین مرضی آنان در زمین، این است که دین پسندیده ایشان را پای برجا دارد، به طوری که اختلافشان در اصول و سهل‌انگاریشان در اجرای احکام و عمل به فروع آن، متزلزلش نسازد و همواره اجتماعشان از لکه نفاق پاک باشد. مراد به تبدیل خوفشان به امنیت این است که امنیت و سلام بر مجتمع آنان سایه بیفکند، به طوری که نه از دشمنان داخلی بر دین و دنیای خود بترسند و نه خارجی و نه از دشمنی علنی و نه پنهانی!

مراد به این که فرمود: خدای را عبادت می‌کنند و چیزی را شریک او نمی‌گیرند، همان

(۲۶) مهاجرین و انصار

معنایی است که لفظ به طور حقیقت بر آن دلالت کند و آن عبارت است از این که اخلاص در عبادت عمومیت پیدا کند و بنیان هر کرامتی غیر از کرامت تقوی منهدم گردد! (۱)

### جامعه موعود و مهدی موعود

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»

(۵۵ / نور)

۱- المیزان ج: ۲۹، ص: ۲۱۷.

جامعه موعود و مهدی موعود (۲۷)

خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند وعده می‌دهد که به زودی جامعه‌ای بر ایشان تکوین می‌کند که جامعه به تمام معنی صالحی باشد: از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد، زمین را ارث برد، در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق چیزی حاکم نباشد، ایمن زندگی کنند، ترسی از دشمنی داخلی یا خارجی نداشته باشند، از کید نیرنگ‌بازان و ظلم ستمگران و زورگویی زورگویان؛ آزاد باشند!

و این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده است و دنیا از روزی که پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله مبعوث به رسالت گشته تاکنون چنین جامعه‌ای را به خود ندیده است، لاجرم اگر مصداقی پیدا کند،



در روزگار مهدی علیه‌السلام خواهد بود، چون اخبار متواتره‌ای که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و

(۲۸) مهاجرین و انصار

ائمه اهل بیت علیهم‌السلام در خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد، البته این در صورتی است که روی سخن را متوجه مجتمع سالم بدانیم، نه تنها حضرت مهدی علیه‌السلام! حق مطلب این است که:

- اگر واقعا بخواهیم حق معنای آیه را به آن بدهیم، (و همه تعصبات را کنار بگذاریم)، آیه شریفه جز با اجتماعی که به وسیله ظهور مهدی علیه‌السلام به زودی منعقد می‌شود، قابل انطباق با هیچ اجتماعی دیگر نیست!

در روایات اسلامی، عیاشی از علی بن الحسین علیه‌السلام روایت کرده که وقتی این آیه را تلاوت می‌کرد، فرمود:

«ایشان، به خدا سوگند، شیعیان ما اهل بیتند، که خدا این وعده خود را در حق ایشان به وسیله مردی از ما منجز می‌سازد و او مهدی این امت است و

جامعه موعود و مهدی موعود (۲۹)

او کسی است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره‌اش فرمود:

- اگر از دنیا نماند مگر یک روز، خدا آن روز را آن قدر طولانی می‌سازد تا مردی از عترتم قیام کند، که نامش نام من است، زمین را پر از عدل و داد کند، آن چنان که پر از ظلم و جور شده باشد! (۱)

### مشخصه یک جامعه صالح

«الَّذِينَ أَنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ...!» (۴۱ / حج)

این آیه توصیفی است از مؤمنین صدر اسلام، عموم مؤمنین آن روز، بلکه عامه

۱- المیزان ج: ۲۹، ص: ۲۲۴.

(۳۰) مهاجرین و انصار

مسلمین تا روز قیامت! خصیصه‌ای که در آیه ذکر می‌شود، خصیصه هر مسلمانی است، هر چند که قرن‌ها بعد به وجود آید، یعنی:

- «... همان کسانی که اگر در زمین استقرارشان دهیم، نماز به پا کنند و زکات دهند و به معروف وادارند و از منکر باز دارند و سرانجام همه کارها با خداست!»

پس طبع هر مسلمان، از آن جهت که مسلمان است، صلاح و سداد است، هر چند احیانا بر خلاف طبعش کاری بر خلاف صلاح انجام دهد!

مراد به تمکین و استقرار آنان در زمین، این است که ایشان را در زمین نیرومند کند، به طوری که هر کاری را که بخواهد بتوانند انجام دهند و هیچ مانعی یا مزاحمی نتواند سد راه آنان شود.

در توصیف آنان می‌فرماید: یکی از صفات ایشان این است که اگر در زمین تمکنی

مشخصه یک جامعه صالح (۳۱)

پیدا کنند و در اختیار کردن هر قسم زندگی که بخواهند آزادی داده شوند، در میان همه انواع و انحاء زندگی، یک زندگی صالح را انتخاب می‌کنند و جامعه‌ای صالح به وجود می‌آورند که در آن جامعه نماز به پا داشته شود و زکات داده شود و امر به معروف و نهی از منکر اجرا شود! (۱)

۱- المیزان ج: ۲۸، ص: ۲۶۸.

(۳۲) مهاجرین و انصار

**جامعه صالحان: وارثان نهایی زمین**

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ!» (انبیاء / ۱۰۵)

«در زبور از پی آن کتاب چنین نوشتیم که زمین را بندگان صالح من به ارث می‌برند!»

مراد از وراثت زمین این است که سلطنت بر منافع از دیگران به صالحان منتقل شود و برکات زندگی در زمین مختص ایشان گردد.

این برکات، اگر دنیایی باشد بر می‌گردد به تمتع صالحان از حیات دنیوی که در این صورت خلاصه مفاد آیه این می‌شود که:

جامعه صالحان: وارثان نهایی زمین (۳۳)

- «به زودی زمین از لوٹ شرک و گناه پاک گشته و جامعه‌ای بشری صالح، که خدای را بندگی کنند و به‌وی شرک نورزند، در آن زندگی کنند.»

در آیه زیر نیز خدای تعالی خبر از این برخورداری در روی زمین می‌دهد: - «خدا به آن عده از شما که ایمان آورده و عمل

صالح کردند، وعده داده که به زودی ایشان را جانشین دیگران در زمین کند...» (تا آن‌جا که می‌فرماید):

- «تا مرا بپرستند و چیزی شریکم نسازند!» (۵۵/نور)

اگر منظور از این برکات اخروی باشد، عبارت خواهد بود از مقامات قربی که در دنیا برای خود کسب کردند، چون این مقامات هم

از برکات زندگی زمینی است، هر چند که خودش از نعیم آخرت است:

خدای تعالی در آیه ۷۴ سوره زمر از زبان بهشتیان از آن خبر داده و فرموده:

(۳۴) مهاجرین و انصار

- «و گفتند حمد خدای را که زمین را به ما ارث داد تا هر جا از بهشت را که بخواهیم برای خود انتخاب کنیم!» و آیه زیر نیز بدان

دلالت می‌کند که در سوره مؤمنون آیه ۱۱ فرمود:

- «ایشانند وارثان! همان‌هایی که فردوس برین را به ارث می‌برند!» و از همین جا معلوم می‌شود که آیه مورد بحث خاص یکی از دو

زندگی دنیوی و اخروی نیست، بلکه هر دو را شامل می‌شود. (۱)

۱- المیزان ج: ۲۸، ص: ۱۸۵.

جامعه صالحان: وارثان نهایی زمین (۳۵)

**فصل دوم: زیربنای جامعه صالح اسلامی****فطرت و اسلام، دو زیربنای جامعه صالح**

«وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ!» (اعراف / ۱۷۰)

به طور کلی هر دینی از ادیان که دارای کتاب است در هر عصری که نازل شده باشد،

(۳۶)

متضمن طریقه فطرت است. زمین و یا جامعه بشری فاسد نمی‌شود مگر با فساد طریقه فطرت، آن طریقه‌ای که خداوند متعال

مردم را بر طبق آن آفریده است.

چیزی که هست، در هر عصری، از احکام فطرت، آن مقداری را متضمن است که اهل آن عصر استعداد پذیرفتن آن را دارند، قرآن می‌فرماید:

- «دین قیّم و آن شریعتی که تمامی حوائج زندگی بشر را بر می‌آورد، همان فطرتی است که خداوند بشر را بر طبق آن خلق کرده است و هیچ تبدیلی در خلقت خداوند نیست، این است آن دین قیّم و لکن بیشتر مردم نمی‌دانند!» (۳۰ / روم)

- «دین در نزد خداوند اسلام است!» (۱۹ / آل عمران)

و اسلام و تسلیم در برابر خدای سبحان و سنت جاریه او در تکوین و تشریح مبتنی بر تکوین اوست و این دو آیه به بانگ رسا اعلام می‌دارند که دین خدای سبحان همان

فطرت و اسلام، دو زیربنای جامعه صالح (۳۷)

تطبیق دادن افراد است زندگی خود را با آنچه که قوانین تکوینی اقتضای آن را دارد و غرض از این تطبیق، این است که این نوع نایل شونده آن مقامی که حقیقت این نوع استحقاق رسیدن به آن را دارد و کارش رسد به جایی که بتوان او را به طور حقیقت انسانی طبیعی و مربی تربیتی نامید، که ذاتش و ترکیب طبیعیش، اقتضای آن را دارد و آن چیزی که واقعیت انسانی طبیعی اقتضای آن را دارد، خضوع در برابر مبدأ غیبی است، که وجود و بقا و سعادت و توفیق وی در شئون زندگی و قوانین حاکمه در عالم قائم به اوست.

و این خضوع همان دینی است که ما آن را اسلام می‌نامیم و قرآن و سایر کتب آسمانی که بر انبیاء و رسولان خدا نازل شده بشر را به سوی آن دعوت می‌کنند! پس اصلاح شئون زندگی بشر و دور کردن هر خرافاتی که به آن راه یافته و هر تکلیف شاقی که اوهام و اهواء به گردن بشر انداخته، جزو معنای دین است، نه این که اثر و خاصیت آن و یا حکمی از احکام آن باشد!

(۳۸) مهاجرین و انصار

به عبارت دیگر، آن چیزی که به منطق دین الهی بشر به سوی آن دعوت شده، همانا شرایع و سننی است که مصالح او را در زندگی دنیوی و اخرویش تأمین می‌کند، نه این که اول مجموعه‌ای از معارف و شرایع از پیش خود وضع نموده و سپس ادعا کند که این شرایع با مصالح بشر تطبیق نموده و مصالح بشر با آن منطبق است!!!

این را گفتیم تا کسی توهم نکند که دین الهی مجموعه‌ای از معارف و شرایع تقلیدی خشک و بی‌مغزی است که در کالبدش هیچ روحی جز روح استبداد نیست!

در آیه فوق دست آویختن به کتاب را اصلاح خواننده و مقابل اصلاح فساد در زمین و یا افساد جامعه بشری است.

کتاب الهی مصالح بشر را متضمن است و اجزاء دستوراتش تمامی مفاصل جامعه

فطرت و اسلام، دو زیربنای جامعه صالح (۳۹)

بشری را اصلاح می‌کند. اصولاً ما آن کتابی را کتاب الهی می‌نامیم که این طور باشد! و آن دینی را صحیح می‌دانیم که مجموعه‌ای از قوانین مصلحه باشد، هم‌چنان که مجموعه قوانین مصلحه را دین می‌دانیم!

پس دین بشر را جز به اصلاح اعمال و سایر شئون اجتماعی خود دعوت نمی‌کند. و اگر آن را اسلام و تسلیم در برابر خدا نام نهاده‌اند، برای همین است که عمل بر طبق دین عمل بر وفق قوانینی است که نظام خلقت برایش مقرر کرده و تسلیم در برابر دین تسلیم در برابر خط مشی است که خلقت پیش پایش نهاده و این تسلیم، تسلیم در برابر خواست خدای تعالی است! (۱)

### نقش انبیاء در تشکیل جوامع صالح

(۴۰) مهاجرین و انصار

اجتماع انسانی مانند سایر خصوصیات روحی‌اش از روز نخست، آن طور کامل نبوده که دیگر صلاحیت از برای تکامل و ترقی نداشته باشد، بلکه اجتماعات انسانی نیز مانند سایر خصوصیات روحی و ادراکی او همیشه همدوش تکاملات مادی و معنوی انسان رو به جلو رفته و متکامل شده است و دلیل ندارد که ما خاصه اجتماعی بودن انسان را از میان جمیع حالات و خصوصیات دیگرش مستثنی نموده و آن را از همان روز پیدایشش کامل و تام بدانیم، بلکه این خاصیت نیز مانند تمام اموری که از دو حالت علم و اراده انسانی منشأ می‌گیرند، دارای تکامل تدریجی است.

نخستین اجتماعی که در روی کره زمین به وجود آمده، اجتماع خانواده است. این واحد اجتماعی کوچک نتیجه ازدواج است که از نیرومندترین عوامل تشکیل اجتماع

نقش انبیاء در تشکیل جوامع صالح (۴۱)

می‌باشد زیرا به وجود آمدن آن نیاز به بیش از یک نفر دارد. از اجتماع خانواده خصوصیت دیگری به وجود آمد که آن را «استخدام» می‌نامیم.

«استخدام» عبارت از این است که انسان با تحمیل اراده و بسط سلطه خود، فرد دیگری را در راه برطرف کردن نیازهای خود به کار گیرد و از محصول کار او به نفع خویش استفاده کند.

این معنی کم کم به صورت «ریاست» نمودار شد، مانند: رئیس منزل، رئیس فامیل، رئیس قبیله و رئیس ملت. طبعاً کسی می‌توانست مقام ریاست را اشغال کند که از همه نیرومندتر و شجاع‌تر و دارای مال و اولاد زیادتری بوده باشد و فن حکومت و سیاست را بیش از دیگران بداند.

در اوایل امر، انسان به اجتماع با یک نظر مستقل و خاص نگاه نمی‌کرد، بلکه زندگی

(۴۲) مهاجرین و انصار

اجتماعی او به نفع خواص دیگری از قبیل استخدام و یا دفاع و غیر این‌ها بوده است. قرآن مجید می‌گوید که این انبیاء بوده‌اند که برای نخستین بار عقربک توجه بشر را به طور تفصیل متوجه اجتماع نموده و مستقلاً حفظ آن را مورد نظر بشریت قرار دادند: - «مردم، ملت واحدی بیش نبودند، سپس متفرق شدند!» (۱۹ / یونس) - «مردم، دسته واحدی بودند و خداوند پیغمبران را برای بشارت و انذار برانگیخت و به حق کتابی با آنان فرو فرستاد تا با آن در موارد اختلاف بشر حکم کنند!» (۲۱۳ / بقره) خداوند متعال با این دو آیه چنین خبر می‌دهد:

- انسان در قدیمی‌ترین روزگار حیات خویش، ملت واحدی بوده است، که هیچ‌گونه اختلافی بین خودشان دیده نمی‌شده، ولی کم کم اختلاف و مشاجره میانشان پدید آمد و خداوند انبیاء را برانگیخت تا این که بشریت را از تفرق و پراکندگی و اختلاف نجات

نقش انبیاء در تشکیل جوامع صالح (۴۳)

بخشد و با قوانین آسمانی خود وحدت و یگانگی آن‌ها را تأمین و حفظ نماید!

آیه زیر دعوت به اجتماع و اتحاد را از حضرت نوح، که قدیمی‌ترین پیغمبر صاحب شریعت و کتاب است، دانسته و می‌فرماید که بعد از آن ابراهیم و سپس موسی و بعد عیسی به این امر اقدام نموده و مردم را به اجتماع و اتحاد دعوت کرده‌اند:

- «آئینی برای شما فرستاد که نوح را به همان سفارش کرده بود و بر تو نیز همان را وحی کردیم و ابراهیم و موسی و عیسی را نیز به همان سفارش نمودیم، که دین را به پا دارید! و در آن تفرقه نیندازید!» (۱۳ / شوری)

طبقه گفته قرآن، که تحقیقات تاریخی نیز آن را تأیید می‌کند، دعوت مستقل و صریحی که به اجتماع شده نخستین بار از

طرف انبیاء در قالب دین بوده است.

این آیه چنین اعلام می‌دارد که مرگ پراکندگی و اختلاف و زنده شدن وحدت و

(۴۴) مهاجرین و انصار

یگانگی، جز در پرتو قدرت دین و ایمان میسر نیست. و این دین است که می‌تواند اجتماع صالحی را برای بشر تثبیت و تضمین

کند. (۱)

### نقش توحید در تشکیل جامعه صالح

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...!» (۲۰ / آل عمران)

عامل وحدت در اجتماعات متمدن عبارت است از وحدت هدف و هدف عبارت است از بهره‌گیری از مزایای زندگی دنیا و سعادت را هم عبارت از همین بهره‌مند شدن از مزایای حیات می‌دانند.

۱- المیزان ج: ۷، ص: ۱۵۵. مندرج در متن

نقش توحید در تشکیل جامعه صالح (۴۵)

ولی اسلام، دامنه حیات انسانی را منحصر به همین زندگی دنیا ندانسته و حیات واقعی را حیات آخرت می‌داند و معتقد است که مؤثر و مفید به حال این حیات یک سلسله معارف الهی است که همه آن‌ها برگشتش به توحید است.

اسلام عقیده دارد که این معارف جز در پرتو یک زندگی اجتماعی صالح و شایسته میسر نیست، آن چنان زندگی که مبتنی بر عبادت خدا و خضوع در مقابل او و مبتنی بر اساس عدالت اجتماعی بوده باشد. به این جهات است که اسلام عامل تکون اجتماعات بشر و ملاک وحدت آن‌ها را دین توحید و یکتاپرستی قرار داده و وضع قانون را نیز بر همین اساس توحید نهاده است و در مرحله قانون‌گذاری تنها به تعدیل اراده‌ها در اعمال و افعال مردم اکتفا ننموده، بلکه آن را با یک سلسله وظایف عبادی و معارف حقه و اخلاق فاضله متمیم و تکمیل فرموده است و ضمانت اجرائی آن را نیز از یک طرف به عهده حکومت اسلامی و از طرف دیگر به عهده خود افراد جامعه گذاشته است، که با یک ترتیب صحیح علمی و عملی و همچنین به نام امر به معروف و نهی از منکر، در اجرا و زنده نگه داشتن احکام الهی کوشا باشند.

(۴۶) مهاجرین و انصار

از مهم‌ترین اموری که در دین اسلام به چشم می‌خورد، ارتباط و به هم پیوستگی کاملی است که بین اجزاء آن برقرار می‌باشد و همین پیوستگی و ارتباط است که موجب وحدت کاملی بین اجزاء این دین شده است.

در دین اسلام روح توحید و یکتاپرستی از هدف‌های اولیه دین به شمار می‌رود، به طوری که روح توحید در کلیه ملکات و فضایل اخلاقی جاری بوده و روح اخلاق نیز در کلیه اعمالی که مردم به انجام آن مکلفند، منتشر می‌باشد و با این

نقش توحید در تشکیل جامعه صالح (۴۷)

ترتیب پیداست که برگشت جمیع مواد دینی اسلامی به توحید است و توحید خود در مرحله ترکیب و انضمام، به همان اخلاق و وظایف عملی برگشت می‌کند.

بنابراین پایگاه رفیع عقیده توحید، اگر از درجه والای خود فرود آید، عبارت از اخلاق و عمل خواهد بود. و اخلاق و عمل نیز در سیر صعودی خود به همان توحید و عقیده یکتاپرستی می‌رسند. (۱)

### نقش اخلاق و تقوی در جامعه صالح اسلامی

۱- المیزان ج: ۷، ص: ۱۸۳.

(۴۸) مهاجرین و انصار

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...!» (۲۰ / آل عمران)

اسلام، روش اجتماعی و قوانین جاری مملکتی خود را بر اساس اخلاق قرار داده و در تربیت مردم روی موازین اخلاقی مبالغه فراوان نموده است. اسلام، ضمانت اجرائی قوانین را به عهده این تربیت اخلاقی نهاده است، که این ضمانت اجرایی در پنهان و آشکار با آدمی بوده و وظیفه خود را بهتر از هر پاسبان مراقب و بهتر از هر قدرتی که صمیمانه در برقراری نظم می‌کوشد، انجام می‌دهد!

اخلاق فاضله در ثبات و دوام خود، احتیاج به عاملی دارد که آن را حفظ و حراست نماید. این عامل چیزی جز توحید نیست. توحید هم عبارت از این است که برای جهان خدای یکتایی است، که دارای اسماء حسنی است و او موجودات را آفرید تا در سیر نقش اخلاق و تقوی در جامعه صالح اسلامی (۴۹)

تکامل افتاده و به سعادت نایل گردند و او دوستدار خیر و صلاح است و بدی و فساد در پیشگاه مقدسش مبعوض است، به زودی همگان، به منظور محاکمه، در نقطه‌ای گرد خواهند آمد و نیکوکار و بدکار به پاداش اعمال خود خواهند رسید. بدیهی است که اگر این عقیده به معاد در نهاد کسی نباشد، عامل دیگری وجود نخواهد داشت که بتواند بشر را از پیروی هوی و هوس باز دارد و او را در مقام بهره بردن از لذایذ نفسانی، که مقتضای طبیعت اوست، متقی و خوشتندار کند. تنها دژ محکمی که بشر را از هرگونه خطا و لغزش می‌تواند نگهداری نماید، دژ توحید است.

لازمه اعتقاد به مبدأ و معاد این است که انسان، در هر کجا و در هر زمان خود را ملزم به نیکوکاری بداند و از بدی‌ها بپرهیزد، خواه کسی بفهمد یا نفهمد، خواه کسی او (۵۰) مهاجرین و انصار

را مورد ستایش قرار دهد یا ندهد و خواه کسی باشد که او را به کار خیر وادارد یا این که از بدی‌ها منعش کند، یا نکند، چه آن که او عقیده دارد که خدا با اوست و همه چیز را می‌داند و هر عملی را حفظ می‌کند و معتقد است که روزی را در پیش دارد که هر کس به آن روز به پاداش عمل خود، از خوب و بد، خواهد رسید! در منطق اسلام، اساس کار بر پیروی حق و درخواست فرد و پاداش از خدا، قرار داده شده است. در این منطق، اغراض و هدف‌های دنیوی در درجه دوم از اهمیت قرار گرفته است.

این منطق از نظر عموم و کلیت به طوری است که تمام موارد را شامل می‌شود. بنابراین، هر عملی، چه فعل و چه ترک، تنها برای ذات خدا و به نام تسلیم در مقابل او و پیروی از حق انجام می‌گیرد، همان حقی را که او (تعالی شأنه)، اراده کرده است و او نقش اخلاق و تقوی در جامعه صالح اسلامی (۵۱)

نگهبان دانایی است که نه چرت می‌زند و نه خوابش می‌برد و نه ممکن است به جایی از او پناه برد. آنچه در آسمان‌ها و زمین است بر او پوشیده نیست!

بنابراین، برای هر کس رقیب و شهیدی است که اعمال او را می‌نگرد، خواه مردم هم او را ببینند یا نه؛ او را ستایش کنند یا نه؛ خواه قدرت بر مجازاتش داشته باشند یا نه!

کار این منطق و این عقیده در پرتو تربیت اسلامی بدانجا رسیده بود که مردم خود نزد پیغمبر می‌آمدند و به گناهان خود اقرار و سپس توبه می‌کردند و همین خود را آماده پذیرفتن حدود الهی، از قبیل کشتن و غیره می‌نمودند، بدین منظور که رضایت الهی را به خود جلب کنند و روحشان از آلودگی پاک شود.

همین حوادث عجیب است که انسان را از تأثیر عمیق دین و تبلیغات دینی در روح مردم آگاه می‌سازد. اثر دین تا آن اندازه است که مردم حاضر می‌شوند به نام دین حتی (۵۲) مهاجرین و انصار از زندگی و لذایذ آن، که از عزیزترین امور نزد انسان است، بگذرند! (۱)

### تعلیمات جامعه صالح

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...!» (۱۰۴ / آل عمران)

اگر در اجتماعی، دانش و علم نافع و عمل صالحی وجود داشته باشد، برای دوام و پایداریش باید افراد را از منحرف شدن از راه خیر - که همان اعمال معروف و شناخته ۱- المیزان ج: ۷، ص: ۱۸۵.

تعلیمات جامعه صالح (۵۳)

شده نزد آنان است - بازدارند. مردم دیگر را هم به طی کردن همان راه خیر تشویق نمایند و آنرا که از راه خیر و معروف برگشته و در پرتگاه شر و منکر واقع شده، رهایش نکنند و از خطر سقوط نجاتش بخشند. این همان دعوتی است که با تعلیم و آموزش و امر به معروف و نهی از منکر شروع می‌شود. در آیه فوق خدای تعالی آن را چنین تبیین می‌فرماید:

- «از شما مسلمانان باید گروهی مردم را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکی امر و از بدی نهی نمایند، این دسته به حقیقت رستگارانند!»

از این جا سرّ این که خدای متعال از «خیر و شر» تعبیر به «معروف و منکر» فرموده، روشن می‌گردد: زیرا اساس و بنیان کلام الهی بر اساس چنگ زدن به رشته الهی و اتحاد و برادری نهاده شده است. واضح است اجتماعی که راه (۵۴) مهاجرین و انصار

زندگی‌اش را چنین قرار داد، اعمال معروف و شناخته شده نزدش همانا «خیر» و منکرات جز «شر» چیز دیگری نخواهد بود.

اگر تعبیر به «معروف و منکر» به لحاظ این نکته نباشد، به ناچار وجه تسمیه و نام‌گذاری «خیر و شر» به معروف و منکر، باید به حسب نظر دین باشد، نه به لحاظ عمل خارجی، یعنی دین «خیر و شر» را به عنوان «معروف و منکر» می‌شناسد.

تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر تماماً از اموری هستند که اگر در جایی واجب شوند، بالطبع واجباتی کفایی خواهند بود و اگر تمام افراد یک ملت مأمور انجام آن باشند، پس از حصول غرض، دیگر معنای صحیحی برایش متصور نیست. و غرض هم با اقدام بعضی آن جمعیت حاصل خواهد شد. پس در هر صورت قیام امر تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر به بعضی افراد می‌باشد نه به

تعلیمات جامعه صالح (۵۵)

تمامی آنان. (۱)

۱- المیزان ج: ۶، ص: ۲۸۵.

(۵۶) مهاجرین و انصار

## فصل سوم: مهاجرین و انصار

### تشکیل دهندگان اولین جامعه صالح

#### مهاجرین اولیه و تشکیل اولین جامعه صالح اسلامی

«وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ...» (۴۱ تا ۴۴ / نحل) (۵۷)

قرآن مجید در این آیات تاریخ هجرت را یادآوری فرموده و مهاجرین در راه خدا را وعده نیکو در دنیا و آخرت می‌دهد. (مهاجرین دو طائفه بودند و در دو نوبت مهاجرت داشتند. مرحله اول، هجرت از مکه به حبشه بود، که عده‌ای از گروندگان به رسول الله صلی الله علیه و آله و به اذن خدای تعالی و رسولش انجام دادند و مدتی در آنجا ایمن از شر مشرکین و عذاب و فتنه آنها به سر بردند. هجرت دوم از مکه به مدینه بود که مؤمنین بعد از هجرت رسول الله صلی الله علیه و آله یکی پس از دیگری بدان شهر مهاجرت نمودند.)

ظاهراً در آیه فوق منظور هجرت دومی، یعنی مهاجرت به مدینه است. مراد از «هاجروا فی الله - مهاجرت در خدا» این است که مهاجرت برای کسب رضای (۵۸) مهاجرین و انصار

خدا باشد و این هدف محیط به ایشان باشد و جز آن هدف دیگری نداشته باشند. مهاجرین در راه خدا و برای دین مهاجرت کردند، تا مجتمعی اسلامی و پاک تشکیل دهند، که در آن مجتمع جز خدا کسی پرستش نشود و جز عدل و احسان چیزی حکومت نکند و یا برای این بود که به مجتمعی وارد شوند و در آن منزل کنند که وضعیتش چنین باشد. پس، اگر از مهاجرتش امید حسنه‌ای داشتند و یا وعده حسنه‌ای داده شدند، آن حسنه همین مجتمع صالح بود و نیز اگر آن شهر را که بدان مهاجرت کردند، ستودند، برای این بود که جای تشکیل چنین مجتمعی بود، نه برای این که آب و هوایش خوب بوده است.

پس، هدف و غرض حسنه‌ای که وعده داده شدند - که در دنیا به آن برسند - همین

مهاجرین اولیه و تشکیل اولین جامعه صالح اسلامی (۵۹)

مجتمع صالح بوده، چه این که مقصود از حسنه شهر باشد و یا حالت حسنه‌ای که در آن شهر به خود می‌گیرند! (۱)

۱- المیزان ج: ۲۴، ص: ۱۱۵.

(۶۰) مهاجرین و انصار

#### سازندگان اولین جامعه صالح

«... الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ...!» (۴۱ / حج)

«اگر خدا بعض مردم را به بعض دیگر دفع نمی‌کرد، دیرها، کلیساها، کنشت‌ها و مسجدها، که نام خدا در آن بسیار یاد می‌شود، ویران می‌شد! خدا کسانی را که یاری او کنند، یاری می‌کند، که وی توانا و نیرومند است! همان کسانی که اگر در زمین استقرارشان دهیم، نماز به پا کنند و زکات دهند، به معروف و ادارند و از منکر باز دارند و سرانجام همه کارها با خداست...!»  
جامعه صالحی که برای اولین بار در مدینه تشکیل شد و سپس تمامی شبه جزیره



سازندگان اولین جامعه صالح (۶۱)

عربستان را فرا گرفت، عالی‌ترین جامعه‌ای بود که در تاریخ اسلام تشکیل یافت. جامعه‌ای بود که در عهد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در آن نماز به پا می‌شد، زکات داده می‌شد، امر به معروف و نهی از منکر، عملی می‌گشت!

### چه کسانی در ساخت اولین جامعه صالح نقش داشتند؟

این جامعه، به‌طور قطع، شاه فرد و مصداق بارز آیه فوق است.

البته، در تشکیل چنین جامعه‌ای، انصار عامل مهم بودند، نه مهاجرین و در تاریخ اسلام، در هیچ عهدی سابقه ندارد که چنین جامعه‌ای به دست مهاجرین تشکیل یافته باشد، به طوری که انصار هیچ دخالتی در آن نداشته باشند.

بلکه تاریخ از افراد مسلمانان صدر اول و مخصوصا مهاجرین از ایشان، افعال

(۶۲) مهاجرین و انصار

زشتی را ضبط کرده که به هیچ‌وجه نمی‌توانیم نام آن را احیاء حق و امانه باطل بگذاریم. (کسانی که توهم کرده‌اند این صفت را قرآن مجید برای مهاجرین زمان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان کرده، اشتباه کرده‌اند، گو این که مسئله اخراج از دیار و مظلومیت

مخصوص آنهاست!) (۱)

### بهترین امت

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...!» (۱۱۰ / آل عمران)

«شما بهترین امتی بودید که برای مردم ظاهر گشتید! امر به معروف می‌کردید و از منکر باز می‌داشتید و به خدا ایمان می‌آوردید و...»

۱- المیزان ج: ۲۸، ص: ۲۶۷.

بهترین امت (۶۳)

قرآن شریف در آیه شریفه فوق مسلمانان اولی از مهاجرین و انصار را مدح می‌کند که در دوران ابتدایی و غربت اسلام به دین خدا گرویدند و در راه پیشرفت آن کوشش کردند. در ادامه آیه می‌فرماید:

«اگر اهل کتاب هم ایمان می‌آوردند، برایشان بهتر بود، لکن آنها اختلاف کردند، بعضی‌شان مؤمن و اکثرشان فاسقند!»

در روایات اسلامی درباره مفهوم آیه شریفه از حضرت صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمود:

«مراد امتی است که دعای ابراهیم علیه‌السلام شامل آنان شده است، آنان امتی هستند که خدا در آنها و از آنها و به آنها مبعوث گردانید، آنان «امت وسط» و بهترین امتی هستند، که

(۶۴) مهاجرین و انصار

برای مردم جهان نمودار شدند!» (۱) (نقل از ابی عمر و زبیری در تفسیر عیاشی)

### امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله

معنای کلمه امت بر حسب اختلاف موارد مختلف می‌شود: یک جا به معنای یک نفر می‌آید، جای دیگر به معنای عده معدود و جایی هم به معنای همه کسانی است که به یک دین ایمان آورده‌اند.

۱- المیزان ج: ۶، ص: ۲۹۲.

امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله (۶۵)

اطلاق کلمه «امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله» در عموم مردم که به دعوت آن جناب ایمان آورده‌اند، اطلاقی است نوظهور. به این معنی که بعد از نازل شدن قرآن و انتشار دعوت اسلام این استعمال شایع شد. و از هر کس می‌پرسید، امت که هستی؟ می‌گفت: از امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله. در جایی که ابراهیم علیه‌السلام دعا می‌کند، عرض می‌کند:

«رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ!» (۱۲۸ / بقره)

این جا منظور جز به معنای عده معدودی از آنان که به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ایمان آوردند، نمی‌تواند باشد، زیرا در این امت، فرعون صفتانی آمدند و رفتند و همیشه هستند و نیز در میان امت، دجال‌هایی هستند که دستشان به هیچ اثری از آثار دین نرسیده مگر آن که آن را محو کرده‌اند و به هیچ ولی از اولیاء نرسیده مگر آن که او را توهین نموده‌اند!!

(۶۶) مهاجرین و انصار

در تفسیر عیاشی از زبیری، از امام صادق علیه‌السلام روایت آمده که:

«به حضرتش عرض کردم:

- بفرمایید امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله چه کسانی هستند؟ فرمود:

- امت محمد خصوص بنی هاشمند! عرض کردم: چه دلیلی بر این معنا هست که امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله تنها اهل بیت اویند، نه دیگران؟ فرمود:

- قول خدای تعالی در قرآن: وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ!

زیرا وقتی خدای تعالی این دعای ابراهیم و اسماعیل علیه‌السلام را مستجاب فرمود و از ذریه او امتی مسلمان پدید آورد و در آن ذریه، رسولی از ایشان، یعنی از همین امت مبعوث کرد، که آیات او را برای آنان بخواند و ایشان را تزکیه نموده و کتاب و حکمت بیاموزد!

امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله (۶۷)

و نیز بعد از آن که ابراهیم دعای اولش را به دعای دیگر وصل کرد و از خدا برای امت، طهارت از شرک و از پرستش بت‌ها درخواست نمود، تا در نتیجه، امر آن رسول در میان امت نافذ و مؤثر واقع شود و امت از غیر او پیروی نکنند، از این جا می‌فهمیم آن امامان و آن امت مسلمه، که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله در آنان مبعوث شده، به غیر از ذریه ابراهیم نیستند، چون ابراهیم درخواست کرد که:

- «خدایا، مرا و فرزندانم را، از این که اصنام را پرستیم دور بدار!» (۳۵ / ابراهیم)

استدلال امام صادق علیه‌السلام در این روایت بسیار واضح و در نهایت درجه روشنی است. برای این که ابراهیم علیه‌السلام از خدا خواست تا امت مسلمه‌ای در میان ذریه‌اش به او عطا کند و در آخر دعایش که گفت:

- «پروردگارا، در میان آن امت که از ذریه منند رسولی مبعوث فرما!» (۱۲۹ / بقره)

(۶۸) مهاجرین و انصار

فهمیده می‌شود که این امت مسلمه همانا امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است، اما نه امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله به معنای آن کسانی که به او ایمان آوردند، چون این دو معنا از امت، معنایی است اعم از ذریه ابراهیم و اسماعیل علیه‌السلام بلکه امت مسلمه‌ای که مورد نظر آیه است، از ذریه ابراهیم باید باشد!

از سوی دیگر ابراهیم از پروردگارش درخواست می‌کند که ذریه‌اش را از ضلالت و شرک دور بدارد و این همان «عصمت» است! و چون می‌دانیم که همه ذریه ابراهیم علیه‌السلام معصوم نبودند، زیرا ذریه او عبارت بودند از تمامی عرب «مُضَر» یا خصوص

«قریش» که مردمی گمراه و مشرک بودند. پس معلوم می‌شود منظورش از فرزندان من (بُنَّی) خصوص اهل عصمت از ذریه است، که عبارتند از: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و عترت طاهرینش علیهم‌السلام!

امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله (۶۹)

پس امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله هم تنها همین‌ها هستند که در دعای ابراهیم علیه‌السلام منظور بودند. (۱)

### امت وسط

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا...!» (۱۴۳ / بقره)

قرآن کریم، در نقل واقعه تغییر قبله مسلمین از بیت‌المقدس به کعبه، ضمن بیان پاسخ اعتراض یهود، امت اسلام را با تعبیر «امت وسط» می‌نامد و وظیفه امت وسط

۱- المیزان ج: ۲، ص: ۱۵۲. مندرج در متن (۷۰) مهاجرین و انصار

بودن را چنین تبیین می‌فرماید:

«و این چنین، ما شما را امتی وسط قرار دادیم، تا شاهدان بر مردم باشید، و رسول بر شما شاهد باشد!»

۱- وسط بودن امت به این معناست که میان رسول و مردم واسطه‌اند.

۲- وسط بودن امت دو نتیجه را به دنبال دارد: یعنی بر مردم شاهد هستند و رسول بر آنان شاهد است، که هر دو نتیجه و لازمه وسط بودن امت است.

آیه شریفه به حسب معنا مرتبط است به آیاتی که دعای ابراهیم علیه‌السلام را حکایت می‌کرد و این که شهادت از شئون امت مسلمه‌ای است که آن جناب از خدا در خواست نمود، یعنی امتی مسلمان و تسلیم محض احکام و اوامر خدا و اجتناب شده... .

امت وسط (۷۱)

- مراد به شهید بودن امت، این است که شهدای نامبرده که دارای خصوصیات مورد نظر باشند، در این امت هستند، نه این که تک تک مردم این امت مرتبه آن شهادت را دارا هستند.

- کمترین مقامی که این شهدای اعمال دارند این است که تحت ولایت خدا و در سایه نعمت او بوده و خود از اصحاب صراط مستقیم هستند، نه فرعون‌های طاغی و نه حتی افراد عادی و مؤمنین متوسط، زیرا چنین مقام کریم فقط کرامت خاصی است که برای اولیاء طاهرین شایسته می‌باشد! (۱)

### مدنیتی که اسلام به ارمغان آورد

۱- المیزان ج: ۲، ص: ۱۹۴.

(۷۲) مهاجرین و انصار

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...!» (۱۰۳ / آل‌عمران)

خداوند متعال در این آیه شریفه وضع اعراب را قبل از ایمان آوردن به دین اسلام متذکر می‌شود و آن‌گاه اشاره به زندگی آن‌ها در دوران جاهلیت می‌کند و سپس مدنیتی را که در مجتمع صالح اسلامی به آن‌ها اعطاء فرموده، یادآور می‌شود:

- «و همگی به رشته الهی چنگک زنید! و پراکنده نشوید! و نعمت خدا را بر خود به یاد آرید، آن‌دم که دشمن بودید با همدیگر و

خدا میان دل‌هایتان پیوند داد و به موهبت او با هم برادر شدید و شما بر پرتگاه آتش به سر می‌بردید، خدا شما را از آن نجات بخشید!»

مخاطبان اولی این آیات کسانی بودند که قبل از نزول آن مسلمان شده و دوران کفر را در آتش جنگ‌ها و پیکارها با یکدیگر به سر برده بودند.

مدینتی که اسلام به ارمغان آورد (۷۳)

آنان قبل از اسلام نه فراغتی داشتند و نه لذت استراحت در زندگی را چشیده بودند و نه حقیقت امنیت عمومی اجتماع را درک می‌کردند، تا این که به رشته محکم الهی چنگ زدند و اجتماعی سعادت‌مندانه تشکیل دادند که حلاوت و شیرینی نعمت امنیت در آن نمایان بود.

در این آیه مخاطبان را متوجه حال پیشینیان نیز فرموده، اضافه می‌کند: «مثل آنان مباشید که متفرق گشتند و اختلاف پیدا کردند!» حال آنان در اجتماع فاسد جاهلیت را که پیش از ایمان آوردن و متحد شدن در سایه اسلام داشتند، آیه شریفه با عبارت: «وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ... - شما بر پرتگاهی از آتش به سر می‌بردید،» متذکر می‌شود.

مراد از «آتش» جنگ‌ها و مخاصماتی است که در آن دوران بین آن‌ها شیوع داشته

(۷۴) مهاجرین و انصار

است و در اجتماعی به سر می‌بردند که اساس آن بر پایه اختلاف و عقاید متشتت نهاده شده بود و امیال نفسانی و زورگویی‌های فردی در آن حکومت کرده و آن‌ها را به پست‌ترین زندگی‌ها سوق می‌دادند.

روایات زیادی در تبیین مفهوم اتحاد کلمه و چنگ زدن به رشته الهی از رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام رسیده، که مشهورترین آن‌ها را به طور خلاصه در این جا نقل می‌کنیم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من جلوتر از شما می‌روم و شما کنار حوض کوثر بر من وارد خواهید شد، بنگرید که چگونه رفتار خواهید کرد با دو چیز "گرانقیمت"؟»

– بزرگتر آن "کتاب خدا" که وسیله‌ای است که یک طرفش به دست حق و طرف دیگرش

مدینتی که اسلام به ارمغان آورد (۷۵)

به دست‌های شماست، به آن چنگ زدید که هرگز گمراه نخواهید شد!

– و کوچکتر آن "عترت و فرزندان" من می‌باشند، آن دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند!

– از پروردگارم جدا نشدن آن‌ها را مسئلهت کرده‌ام، پس بر آن دو پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد! و به آن‌ها چیزی نیاموزید زیرا که از شما داناترند!»

(به نقل طبرانی از زید بن ارقم درّ مشهور)

امام باقر علیه السلام فرمود:

– «رشته الهی همانا آل محمدند، که مردم مأمور به تمسک به آن می‌باشند، هم‌چنان که خدای تعالی فرموده: "وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا" ...!»

(نقل از تفسیر عیاشی)

(۷۶) مهاجرین و انصار

حدیث ثقلین

این حدیث از روایات متواتری است که شیعه و سنی بر روایت آن اتفاق کرده‌اند و بعضی از علمای حدیث راویان آن را تا ۳۵ نفر از مردان و زنان صحابی شمرده‌اند. (۱)

### حالات مسلمین اولیه

۱- المیزان ج: ۶، ص: ۲۸۳.

حالات مسلمین اولیه (۷۷)

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ... لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ...!» (۱۹۰ تا ۱۹۹ / آل عمران)

قرآن مجید از احوال مسلمین اولیه، حال ابرار از مؤمنین را چنین تذکر می‌دهد: «آن‌ها همیشه به یاد خدای سبحان هستند و در آیات الهی تفکر می‌کنند و از آتش دوزخ به خدای رحمن و رحیم پناه می‌برند و از خداوند بخشنده آمرزش و بهشت را مسئلت دارند و خدای تعالی نیز دعای آنان را مستجاب می‌کند و آنچه را خواسته‌اند به آن‌ها می‌بخشد!» از این آیات به دست می‌آید که ابرار عقیده به خدا و روز قیامت و نبوت را دارا شده بودند و این عقاید از راه تفکر و نظر در آیات الهی برایشان پیدا شده بود و اما دستورات مفصل و دقایق و ریزه‌کاری‌های دین را صرفاً از راه ایمان به پیغمبر و تصدیق نبوت او پذیرفته بودند.

(۷۸) مهاجرین و انصار

(البته آیات دلالت دارد بر این که پیروان حق از اهل کتاب از کفار مستثنی بوده و آن‌ها نیز با مؤمنین هستند!)

وقتی که ابرار در مقابل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله اظهار ایمان کردند، پیغمبر آنان را به اموری آگاه کرد و از گناهان و بدی‌ها و مرگ بر کفر بر حذرشان داشت و به اموری از قبیل: مغفرت و رحمت و بهشتی که خداوند به ابرار از مؤمنین وعده فرموده، ترغیبشان فرمود، پس از این مراحل آنان از خدا مسئلت نمودند که گناهانشان را بیامرزد و از بدی‌هایشان در گذرد و آنان را با ابرار از مؤمنین بمیراند و خواستند تا به وعده‌هایی که خداوند به آنان داده و رسول گرامی او آن‌ها را ضمانت نموده، نائل شوند!

آیات قرآن شریف از ایمان و تفکرات آنان چنین نقل می‌کند:

حالات مسلمین اولیه (۷۹)

- «در خلقت آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز، آیات و نشانه‌هایی است برای صاحبان‌خرد، آنان که ایستاده و نشسته و خوابیده بر پهلو خدا را یاد کنند و در خلقت آسمان‌ها و زمین تفکر نمایند و گویند:

- پروردگارا! این‌ها را به عبث نیافریدی! منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش حفظ فرما!

- پروردگارا! تو آن کس را که داخل آتش کنی، خوارش کرده‌ای! و ستمگران یاوری نخواهند داشت!

- پروردگارا! ما شنیدیم منادی‌ای را که ندا داد برای ایمان: که به پروردگارتان ایمان بیاورید! پس ایمان آوردیم! پس گناهان ما را بیامرز! و بدی‌های ما را بپوشان! و ما را با نیکان محشورمان گردان!

- پروردگارا! آنچه را که به وسیله فرستادگان تو وعده فرمودی به ما عنایت کن!

(۸۰) مهاجرین و انصار

و ما را در روز قیامت خوار و ذلیل مگردان! و محققاً تو خلف وعده نمی‌کنی!

... پس آنان که هجرت کردند و از شهر خود خارج شدند و در راه من اذیت کشیدند و جنگ کردند و کشتند و کشته شدند، به طور مسلم بدی‌هایشان را خواهیم پوشاند! و ایشان را در بهشت‌هایی که دارای نهرهای روان است، داخل خواهیم کرد! و این پاداشی است که خدا به ایشان می‌دهد! و بهترین پاداش نزد خداست! (۱۹۰ تا ۱۹۵ / آل عمران) (۱)

۱- المیزان ج: ۷، ص: ۱۴۶.

الذین آمنوا در قرآن (۸۱)

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا!» (۱۰۴ / بقره)

در این آیه اولین بار است که عبارت «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در قرآن کریم به کار رفته و اولین موردی است که خدای تعالی مؤمنین را با لفظ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» خطاب فرموده است. بعد از این آیه در ۸۴ مورد دیگر تا آخر قرآن کریم این خطاب را تکرار فرموده است.

در قرآن کریم، خطاب «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» تنها مختص به مؤمنین امت اسلام است. امت‌های قبل از اسلام با کلمه «قوم» خطاب و تعبیر شده‌اند، مانند: قوم نوح و قوم هود. آن‌ها گاهی هم با لفظ «اصحاب» خطاب شده‌اند، مانند: اصحاب مدین و اصحاب رس. در خصوص قوم موسی علیه‌السلام تعبیر «بنی اسرائیل» و «یا بنی اسرائیل» به کار رفته است.

(۸۲) مهاجرین و انصار

در قرآن کریم، چنان‌که دقت شود، مشخص می‌شود که آن‌چه قرآن شریف از عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا» در نظر دارد غیر آن معنایی است که از کلمه «مؤمنین» اراده فرموده است. از برخی آیات فهمیده می‌شود که منظور از «الَّذِينَ آمَنُوا» تمامی اهل ایمان به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نیستند و چنان نیست که همه را ولو هر جور که باشند شامل شود!

منظور از عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا» عبارتند از «سَيِّبِقُونَ الْأَوَّلُونَ»، یعنی طبقه اول مسلمانان از مهاجر و انصار، که در عهد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و در روزگار عسرت اسلام به آن جناب ایمان آوردند. پس «الَّذِينَ آمَنُوا» عبارت آبرومند و محترمانه‌ای است که همه‌جا منظور از آن، طبقه مزبور هستند.

البته، ذکر عبارت فوق در اول یک آیه بر اساس تشریف و احترام است و منافاتی با عمومیت تکالیف قرآن و وسعت معنا و مراد آن ندارد، بلکه در عین این که به عنوان

الذین آمنوا در قرآن (۸۳)

احترام روی سخن به ایشان کرد، در صورت وجود قرینه عموم دارندگان ایمان را تا روز قیامت شامل می‌شود. روایات اسلامی در این زمینه توضیح می‌دهند:

«رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

- خدای تعالی هیچ آیه‌ای که در آن «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» باشد، نازل نفرمود، مگر آن که «علی بن ابیطالب» در رأس آن و امیر آن است!» (نقل از ابن عباس در حلیه ابونعیم به نقل در منشور)

این روایت، روایاتی دیگر را که در شأن نزول آیاتی بسیار وارد شده، که گفته‌اند درباره علی علیه‌السلام و یا اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده‌اند، تأیید می‌کند، مانند: - «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (۱۱۰ / آل عمران) و آیه:

- «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (۱۴۳ / بقره) و آیه:

(۸۴) مهاجرین و انصار

- «وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (۱۱۹ / توبه) (۱)

### طبقات اولیه مسلمین صدر اسلام

«وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ...»

(۱۰۰ / توبه)

درباره این که آیه شریفه کدام گروه از مهاجرین و انصار را تعریف و تمجید می‌کند، در بین قاریان و مفسرین اختلاف نظر بوده است. گروهی گفته‌اند:

- «پیشینیان اول از مهاجر و پیشینیان اول از انصار و کسانی که ایشان را به

۱- المیزان ج: ۲، ص: ۴۹.

طبقات اولیه مسلمین صدر اسلام (۸۵)

نیکویی پیروی کردند،»

ولی برخی آن را طوری خوانده‌اند که «تمامی انصار» را معنی داده است. برخی گفته‌اند: «مقصود کسانی هستند که به دو قبله نماز گزارده‌اند.» بعضی دیگر گفته‌اند: «مقصود کسانی‌اند که بیعت رضوان کرده باشند و بیعت رضوان بیعت در حدیبیه است.» و برخی گفته‌اند: «مقصود فقط اهل بدرند.» و بعضی دیگر گفته‌اند: «کسانی که قبل از هجرت مسلمان شدند.»

برای هیچ‌یک از این قول‌ها تأییدی و دلیل لفظی در دست نیست. چیزی که ممکن است تا حدی از لفظ خود آیه استشمام شود در حقیقت آیه شریفه آن را تا حدی تأیید می‌نماید، این است که:

- مراد به «سَابِقُونَ الْأَوْلُونَ» کسانی‌اند که قبل از هجرت ایمان آورده و پیش از

(۸۶) مهاجرین و انصار

واقعۀ بدر مهاجرت کرده‌اند. و همچنین کسانی که به پیغمبر ایمان آورده و او را منزل دادند، زیرا موضوع با دو وصف «سَابِقُونَ» و «الْأَوْلُونَ» بیان شده است و اسم از اشخاص و یا عناوین آن‌ها برده نشده است و این خود اشعار دارد بر این که به خاطر هجرت و نصرت بوده که سبقت و اولویت اعتبار شده است.

پس به خاطر این که سابقون تمامی کسانی را که در میان مسلمین که از ابتداء طلوع اسلام تا روز قیامت به ایمان سبقت جستند، شامل نشود، کلمه «الْأَوْلُونَ» در آیه آمده تا مختص به مهاجرین و انصار شود و مقصود از سابقون اولون همان طبقه اولیه از مسلمین صدر اسلام باشد. (۱)

۱- المیزان ج: ۱۸، ص: ۲۹۳.

طبقات اولیه مسلمین صدر اسلام (۸۷)

### تابعین به احسان

خدای سبحان، طبقه سوم از اصناف سه گانه را در آیه فوق با عبارت: «وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ» ذکر فرمود و مقید نکرد به تابعین عصری معین و در نتیجه، تمامی مسلمین بعد از سابقون اولون را شامل می‌شود.

قهرای مؤمنین به دین اسلام و آن‌هایی که راستی مؤمنند و نفاق ندارند، از ابتدا طلوع اسلام تا روز قیامت سه دسته شدند:

۱- سابقون اولون از مهاجرین

(۸۸) مهاجرین و انصار

۲- سابقون اولون از انصار

۳- تابعین ایشان به احسان، یعنی دو طایفه بالا را به احسان (به حق) پیروی کنند.

چون صنف اول و دوم تابع نیستند، پس در حقیقت آن‌ها پیشوا و پیشرو هستند و بقیه مسلمین تا روز قیامت تابعند. و چون طبقه سوم را به «وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ»، تعریف فرموده، معلوم است که کسانی در نظرند که با پیروی نیک آن دو طبقه را پیروی کردند،

یعنی پیروی به حق، نه به علاقه شخصی یا به خاطر تعصب و همچنین آن‌ها که در پیروی‌شان رعایت مطابقت را بکنند، یعنی عمل تابع کمال مطابقت را با عمل متبوع داشته باشد.

افتخار سابقین اولون هم به این است که آن‌ها کسانی بودند که اساس دین اسلام را تابعین به احسان (۸۹)

استوار کردند و قبل از آن‌ها که بنیانش استوار گردد و بیرقش به اهتزاز در آید، پایه‌های آن را به پا داشتند.

- حال یا به این که ایمان آورده و به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پیوستند و در فتنه‌ها و شکنجه‌ها شکیبایی کردند و از دیار و اموال خود چشم پوشیدند و به حبشه و مدینه هجرت کردند.

- و یا به این که آن حضرت را یاری نموده و او و مهاجرین با او را در شهر و خانه‌های خود منزل دادند و قبل از آن که واقعه‌ای رخ دهد از دین خدا دفاع کردند! (۱)

۱- المیزان ج: ۱۸، ص: ۲۹۳.

(۹۰) مهاجرین و انصار

### برادر خواندگی: برقراری ولایت بین مهاجرین و انصار

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ...!»

(۷۲ تا ۷۵ / انفال)

بر اساس آیه فوق، خدای تعالی بین دو طایفه از مسلمین، یعنی مهاجر و انصار ولایت برقرار کرد و همچنین رشته موالات بین مسلمانان و کفار را به کلی قطع فرمود:

- «آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با مال‌ها و جان‌های خویش در راه خدا جهاد کردند و آن کسان که مهاجران را سکنی دادند و یاری کردند، ایشانند که بعضی از آن‌ها اولیای بعض دیگرند و آنان که گرویدند و هجرت نکردند، شما را از ولایت ایشان نصیبی

برادرخواندگی: برقراری ولایت بین مهاجرین و انصار (۹۱)

نیست تا آن که هجرت کنند و...»

مقصود از این مهاجرین، آن دسته اول از مهاجرینند که قبل از نزول این سوره مهاجرت کرده بودند. مراد به «کسانی که به مسلمانان منزل دادند، و رسول الله را یاری کردند»، طایفه انصار است.

مسلمانان در ایام نزول این آیات منحصر به همین دو طایفه یعنی مهاجر و انصار بودند، مگر عده خیلی کم که در مکه ایمان آورده و هنوز مهاجرت نکرده بودند. خداوند سبحان بین این دو طایفه ولایت برقرار فرمود.

این ولایت معنایی است اعم از ولایت میراث، ولایت نصرت و ولایت امن. به این معنی که حتی اگر یک فرد مسلمان کافری را امان داده باشد، امانش در میان تمامی مسلمانان نافذ است، بنابراین همه مسلمانان نسبت به یکدیگر ولایت دارند، یک مهاجر ولی تمامی

(۹۲) مهاجرین و انصار

مهاجر و انصار است، یک انصاری ولی همه انصار و مهاجرین است و دلیل همه این‌ها این است که ولایت در آیه به طور مطلق ذکر شده است.

خداوند متعال با آیه: «و آنان که گرویدند و هجرت نکردند»، ولایت را در میان مؤمنین مهاجرین و انصار و میان مؤمنین که مهاجرت نکردند، نفی می‌کند و می‌فرماید: میان دسته اول و دسته دوم هیچ قسم ولایتی نیست جز ولایت نصرت و اگر دسته دوم از



شما یاری طلبیدند، یاری‌شان بکنید، ولی به شرطی که با قومی سر جنگ داشته‌باشند که بین شما و آن قوم عهد و پیمانی نباشد. و همچنین خداوند متعال با آیه: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...»<sup>۹۳</sup> خاطر نشان می‌سازد که کفار ولایتشان در میان خودشان است و به اهل ایمان تجاوز نمی‌کند. پس مؤمنین نمی‌توانند آنان را دوست بدارند!

برادر خواندگی: برقراری ولایت بین مهاجرین و انصار (۹۳)

آیه با این عبارت ادامه می‌یابد: «... اگر (مسلمانان غیر مهاجر را در موقع طلب یاری)، کمک نکنید فتنه در روی زمین و فساد بزرگ ایجاد می‌شود»، که این آیه اشاره دارد به مصلحت تشریح ولایت به آن نحوی که تشریح فرمود. چون به طور کلی ولایت و دوست داشتن یکدیگر از اموری است که هیچ جامعه‌ای از جوامع بشری و مخصوصاً جوامع اسلامی، که بر اساس پیروی حق و گسترش عدالت الهی تأسیس می‌شود، از آن خالی نیست و معلوم است که دوستی کفار، که دشمن چنین جامعه‌ای هستند، موجب می‌شود افراد اجتماع با آنان خلط و آمیزش پیدا کنند و اخلاق و عقاید کفار در بین آنان رخنه یابد و در نتیجه سیره و روش اسلامی که مبنایش حق است، به وسیله سیره و روش کفر، که اساسش باطل و پیروی هواست و در حقیقت پرستش شیطان است، از میان آنان رخت بر بندد، هم‌چنان که در روزگار خود

(۹۴) مهاجرین و انصار

ملاحظه کردیم که چنین شد و صدق دعوی این آیه را به چشم خود دیدم!!!

بالاخره در آیه بعدی: «کسانی که بعداً ایمان آوردند و مهاجرت کردند و همپای شما جهاد کردند، آن‌ها نیز از شما هستند»، خداوند متعال مهاجرین بعدی و آن‌هایی را که بعد از این ایمان می‌آورند و با طبقه اول همراه شده و به جهاد می‌پردازند، به آنان ملحق فرموده و در مسئله ولایت ایشان را نیز شرکت داده است.

### نسخ ولایت در ارث، در برادر خواندگی

خدای متعال با آیه: «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِی کِتَابِ اللَّهِ...»<sup>(۶/احزاب)</sup> ولایت ارث را در میان ارحام و خویشاوندان تشریح می‌کند و آن را منحصر در برادر خواندگی: برقراری ولایت بین مهاجرین و انصار (۹۵) ارحام می‌نماید و اما بقیه اقسام ولایت منحصر در ارحام نیست.

این آیه حکم سابق را که عبارت بود از ارث بردن به سبب عقد برادری نسخ می‌کند. قبل از این آیه بعضی در اوایل هجرت رسول الله صلی الله علیه و آله حکم ارث به «اخوت» را در میان مسلمانان اجرا می‌کردند و بعد از نزول این آیه موقوف شد. (۱)

دارالاسلام: تقسیمات جغرافیایی ایمان و کفر

«لَا یَسْتَوِی الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ غَیْرُ أُولِی الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِی سَبِیْلِ اللَّهِ...!»<sup>(۹۵ تا ۱۰۰/نساء)</sup>

۱- المیزان ج: ۱۷، ص: ۲۳۱.

(۹۶) مهاجرین و انصار

در روزهایی که مسلمانان گروهی به مدینه هجرت کردند و گروهی در مکه ماندند، همزمان گروه‌هایی در مدینه بودند که با پیامبر خدا در جنگ‌ها شرکت می‌کردند و گروهی در خانه‌ها می‌نشستند و گروه‌هایی نیز بودند که به حال شرک مانده بودند و نهایتاً با مسلمین پیمان زندگی مسالمت‌آمیز بسته بودند؛ در آن روزگار شهر مدینه «دارالاسلام» بود و شهر مکه «دارالکفر» بود و کسانی که در این دو شهر اقامت داشتند دارای کیفیت‌های متفاوتی بودند و قرآن شریف در آیات فوق وضع آنان را روشن کرده تا تکلیف

خود را در قبال خدا و مسلمانان بدانند.

خداوند متعال در این آیات، مؤمنین، یعنی مدعیان ایمان را، از نظر اقامت در سرزمین مؤمنین یا «دارالایمان» و سرزمین مشرکین یا «دارالشُرک»، به چند قسم

دارالاسلام: تقسیمات جغرافیایی ایمان و کفر (۹۷)

تقسیم کرده و جزای هر یک از این چند دسته را به طوری که مناسب حال آن دسته است، بیان فرموده، بدین منظور که آنان را بیدار کند و سپس ترغیبشان فرماید که به «دارالایمان» هجرت کنند و آنجا اجتماع نمایند و مجتمع اسلامی را نیرو بخشند و متحد شوند و بر کارهای نیک و پرهیزکاری به یکدیگر کمک دهند و کلمه حق را بالا برند و پرچم توحید را برافرازند و دین را به همگی اعلام کنند.

گروه‌های مورد خطاب آیات به شرح زیر بودند:

۱ - مجاهدین و قاعدین:

هر دو این دسته کسانی هستند که در سرزمین اسلامی «دارالاسلام» اقامت دارند. یک دسته از آنها کسانی هستند که با جان و مال در راه خدا جهاد می‌کنند، دسته دوم کسانی هستند که با عذر و یا بدون عذر (در جایی که عده کافی برای جهاد آماده بود)، در منزل‌ها می‌نشستند و به جهاد نمی‌رفتند.

(۹۸) مهاجرین و انصار

خداوند سبحان به هر یک از این‌ها وعده خوبی داده، ولی البته از نظر درجه، مجاهدین را بر قاعدین برتری بخشیده است.

۲ - ساکنین شهر کفر:

این دسته کسانی هستند که در سرزمین شرک اقامت دارند و از روی ظلم و ستم، در راه خدا هجرت نمی‌کنند. این دسته جهمی خواهند بود!

۳ - مستضعفین:

این عده «مستضعفین» هستند که در سرزمین کفر ساکنند، ولی نه از راه ظلم و ستم، بلکه نه چاره‌ای دارند و نه راهی برای فرار می‌دانند.

دارالاسلام: تقسیمات جغرافیایی ایمان و کفر (۹۹)

این دسته را هم انشاء الله (اگر خداوند بخواهد) عفو خواهد کرد.

۴ - مهاجرت ناتمام:

این عده کسانی هستند که مستضعف نیستند و به منظور هجرت به طرف خدا و رسول و پناهنده شدن به سرزمین اسلام، از خانه‌های خود بیرون آمده‌اند، ولی مرگ به سراغ ایشان آمده است. اجر اینان هم بر خداست!

مضمون این آیات، همه وقت و همه جا، درباره مسلمانان جاری است، گرچه سبب نزول این آیات اوضاع و احوالی بود که مسلمین در عهد پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از هنگام هجرت به مدینه تا فتح مکه داشتند.

### آن روز دو سرزمین وجود داشت

(۱۰۰) مهاجرین و انصار

یکی سرزمین اسلام، که عبارت بود از شهر مدینه و حومه آن:

در این جا یک عده مسلمان وجود داشت که در دین خود، آزادی داشتند و یک عده هم مشرکین و کسان دیگری بودند که به

واسطه پیمان و امثال آن کاری به مسلمانان نداشتند.

دیگری سرزمین شرک، که عبارت بود از مکه و حومه آن:

این‌ها بر بت‌پرستی ثابت‌قدم بودند و در امر دین، مزاحم مسلمانان بودند و آنان را به سختی شکنجه می‌کردند و فریب می‌دادند، که از دینشان برگردند، ولی این آیات با ملاک کلی که دارد همیشه حاکم بر مسلمین است.

بدین ترتیب که مسلمان مؤظف است یا در جایی اقامت کند که بتواند معالم دین را بیاموزد و شعائر دین را اقامه کند و به احکام دین عمل نماید و یا اگر در سرزمینی است

آن روز دو سرزمین وجود داشت (۱۰۱)

که نه علم به معارف دین و نه راهی برای عمل کردن به احکام دینی وجود دارد، باید از آن‌جا هجرت کند، فرق نمی‌کند که آن‌جا را «دارالاسلام» بنامند یا «دارالکفر»... زیرا امروز اسم‌ها دگرگون شده و از مسمی‌های خود کنار گرفته و دور شده‌اند. دین به صورت یک مطلب نژادی درآمده است. از اسلام تنها نام مانده، اعتقاد به معارف و عمل به احکام اسلام به هیچ‌وجه در این نامگذاری مراعات نمی‌شود.

قرآن کریم، اثر را بر حقیقت - و نه اسم - اسلام بار می‌کند و مردم را تکلیف به اعمالی می‌کند که دارای روح باشد، نه صورت اسلام!! (۱)

## زنان مهاجر

۱- المیزان ج: ۹، ص: ۸۵.

(۱۰۲) مهاجرین و انصار

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ...!» (۱۰ / ممتحنه)

قرآن مجید اشاره به آن زمانی از تاریخ صدر اسلام دارد که مسلمانان در مدینه قدرت گرفته‌اند و عده‌ای به تدریج از مکه به مدینه می‌آیند و در بین آن‌ها زنانی نیز از همسرانشان جدا شده و به مدینه مهاجرت می‌کنند، که احتمال می‌رود همه آن‌ها به قصد مسلمانی نباشد و برخی حتی مسائل خانوادگی خود را می‌خواهند بدین وسیله حل نمایند، لذا دستوراتی در این زمینه از طرف خدای تعالی به رسول گرامی‌اش صادر می‌شود و می‌فرماید:

زنان مهاجر (۱۰۳)

- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! زنانی که به عنوان اسلام و ایمان از دیار خود هجرت کرده و به سوی شما آمدند، خدا به صدق و کذب ایمان آن‌ها دانایتر است! شما باید از آن‌ها تحقیق کنید و آن‌ها را امتحان بکنید، اگر به ایمانشان شناختید، آن‌ها را بپذیرید و دیگر به شوهران کافرشان برنگردانید، که هرگز این زنان مؤمن بر آن شوهران کافر و آن شوهران کافر بر این زنان مؤمن، حلال نیستند! ولی مهر و نفقه‌ای را که شوهران خرج آنان کرده‌اند، به آنان بپردازید و باکی نیست که شما با آنان نکاح کنید، در صورتی که مهر و اجرشان را بدهید و هرگز متوسل به حفاظت کافران مشوید! (یعنی عهد ازدواج و دوستی و نظایر آن با کافران مبنیدید!)»

سیاق و زمینه این آیه شریفه چنین دست می‌دهد که بعد از صلح حدیبیه نازل شده و در عهدنامه‌هایی که میان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و مردم مکه برقرار گردیده نوشته شده است

(۱۰۴) مهاجرین و انصار

که اگر از اهل مکه مردی ملحق به مسلمانان شد، مسلمانان موظفند او را به اهل مکه برگردانند، ولی اگر از مسلمانان مردی

ملحق به اهل مکه شد، اهل مکه موظف نیستند او را به مسلمانان برگردانند.

و نیز از آیه شریفه چنین بر می‌آید که بعضی از زنان مشرکین مسلمان شده و به سوی مدینه مهاجرت کرده بودند و همسر مشرکشان به دنبال آن‌ها آمده و درخواست کرده بودند که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله همسر آنان را برگرداند و رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در پاسخ فرموده بود که آنچه در عهدنامه آمده این است که اگر مردی از طرفین به طرف دیگر ملحق شود باید بر اساس قرارداد عمل شود، ولی در عهدنامه درباره زنان چیزی نیامده است و به همین مدرک رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله آن زن را به شوهرش نداد و حتی مهریه‌ای را که شوهر به همسرش داده بود به آن مرد برگردانید.

زنان مهاجر (۱۰۵)

این‌ها مطالبی است که از آیه شریفه استفاده می‌شود و آیه فوق دلالت بر احکامی مناسب این مطالب نیز دارد و همچنین آیه شریفه این زنان را قبل از امتحان و پی بردن به ایمانشان نیز مؤمنان خوانده، از این جهت بوده که خود آنان تظاهر به اسلام و ایمان می‌کردند.

ضمناً خدای تعالی می‌فهماند که ایمان باعث انقطاع علقه زوجیت بین زن مؤمن و مرد کافر است و همچنین به حکم آیه: «وَلَا تُمَسِّكُوا بِعَصَمِ الْكُوفِرِ!» (۱۰ / ممتحنه) مردان مسلمان باید در اولین روزی که به اسلام در می‌آیند زنان کافر خود را رها کنند، چه این که زنان مشرک باشند و یا یهود و نصاری و یا مجوس! در ادامه آیه می‌فرماید:

«و اگر از شما مهریه‌ای از همسران کافرتان نزد کفار مانده و از دست رفته

(۱۰۶) مهاجرین و انصار

باشد و همسران آنان به کفار پیوسته باشند، اگر مؤمنین در جنگ به غنیمتی رسیدند، مهریه این گونه افراد را به همان مقداری که از چنگشان رفته، به آنان بدهند!» (۱۱ / ممتحنه)

### شرایط بیعت زنان مهاجر

در آیه ۱۲ سوره مبارکه ممتحنه، خدای تعالی شرایط و حکم بیعت زنان مؤمن را که به سوی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله هجرت می‌کنند، تعیین فرموده است. در آن، اموری را بر آنان شرط کرده است که بعضی مشترک بین زنان و مردان است، مانند:

– شرک نورزیدن، نافرمانی نکردن از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در کارهای نیک؛ بعضی دیگر ارتباطش با زنان بیشتر است، مانند:

شرایط بیعت زنان مهاجر (۱۰۷)

– احتراز جستن از سرقت و زنا و کشتن اولاد و اولاد دیگران را به شوهر نسبت دادن؛ که این امور هر چند به وجهی مشترک بین زن و مرد است و مردان هم می‌توانند چنین جرایمی را مرتکب شوند و لکن ارتباط آن‌ها با زنان بیشتر است، چون زنان به حسب طبع عهده‌دار تدبیر منزلند و این زنانند که باید عفت دودمان و خانواده را حفظ کنند و این زنانند که نسل پاک و فرزندان حلال‌زاده به وسیله آنان حاصل می‌شود.

شرط اول:

– هیچ چیزی را شریک خدا نباید بگیرند، نه بت، نه اوثان، نه ارباب اصنام! این شرطی است که هیچ انسانی در هیچ حالی از این شرط بی‌نیاز نیست. شرط دوم:

(۱۰۸) مهاجرین و انصار

- از شوهران و از غیرشوهران چیزی نذرند!

از سیاق آیه استفاده می‌شود که بیشتر منظور سرقت نکردن از شوهران مورد عنایت است.

شرط سوم و چهارم:

- با گرفتن دوستان اجنبی و با هیچ کس دیگر زنا نکنند! و چنین نباشد که از راه زنا حامله شوند، آن وقت فرزند حرام‌زاده را به

شوهر خود ملحق سازند، که این عمل کذب و بهتانی است که با دست و پای خود مرتکب شده‌اند.

این شرط غیر شرط اولی است که از زنا جلوگیری می‌کند.

شرایط بیعت زنان مهاجر (۱۰۹)

شرط پنجم:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را معصیت نکنند!

نفرموده که خدا را معصیت نکنند، با این که معصیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و نافرمانی نسبت به آن جناب هم منتهی به

نافرمانی خدای تعالی می‌شود و این بدان جهت بوده که بفهماند: آنچه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مجتمع اسلامی سنت و باب

می‌کند، برای جامعه اسلامی عملی معروف و پسندیده می‌شود و مخالفت با آن در حقیقت تخلف از سنت اجتماعی و

بی‌اعتبار کردن آن است.

از این بیان روشن می‌شود که عبارت «معصیت در معروف» عبارتی است که هم شامل «ترک معروف» از قبیل: نماز و

روزه و زکات می‌شود و هم شامل «ارتکاب منکر» از قبیل: تبرج و عشوه‌گری زنان، که از

(۱۱۰) مهاجرین و انصار

رسوم جاهلیت اولی است! (۱)

۱- المیزان ج: ۳۸، ص: ۱۳۲.

شرایط بیعت زنان مهاجر (۱۱۱)

## فصل چهارم: بخشی در جامعه اسلامی

### اجتماع از نظر اسلام

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...!» (۲۰۰ / آل عمران)

شک نیست که اسلام تنها دینی است که اساس آیین خود را خیلی صریح و روشن بر پایه اجتماع قرار داده است. اسلام در هیچ

شأنی از شئون خود نسبت به اجتماع

(۱۱۲)

بی‌اعتنا نبوده است.

این دین الهی، در گستره بی‌نهایت اشتغالات انسانی و دسته‌های مختلف جنسی و نوعی و صنفی او، که شمارش آن‌ها از نیروی فکر

انسان خارج است، با تمام کثرت فوق‌العاده‌ای که دارند، دخالت نموده و برای هر یک از آن‌ها حکمی مقرر داشته است.

تمام این احکام و مقررات را نیز در یک قالب اجتماعی بیان داشته و تا آنجا که ممکن بوده، روح اجتماع را در جمیع احکام و

مقررات خود تنفیذ نموده است!

نخستین ندایی که بشر را به سوی اجتماع دعوت کرده و به جامعه یک شخصیت مستقل واقعی داده، ندای آسمانی اسلام است، که

با یک سلسله آیات الهی مردم را به سوی سعادت حیات اجتماعی و پاکیزگی آن دعوت فرموده است:

«این است راه من! آن را پیروی کنید! و راه‌های دیگر را پیروی نکنید، که موجب

اجتماع از نظر اسلام (۱۱۳)

تفرقه و پراکندگی شماست!» (۵۲ / انعام)

«به رشته خدا چنگ زبید و پراکنده نشوید... باید جمعی از شما مردم را به خیر و نیکی دعوت کنید، امر به معروف کنید و از منکر

باز دارند و اینان خود رستگارانند. مابشید از آنان که پس از ادله روشنی که بر آنان آمد، پراکنده شدند و راه اختلاف

پیمودند!» (۱۰۳ تا ۱۰۵ / آل عمران)

«مؤمنین برادر یکدیگرند، پس بین دو برادرتان سازش دهید!» (۱۰۰ / حجرات) - «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ! در نیکی

و پرهیزکاری یکدیگر را یاری کنید!» (۳ / مائده) (۱)

۱- المیزان ج: ۷، ص: ۱۵۸.

(۱۱۴) مهاجرین و انصار

### اتحاد و سازگاری در جامعه اسلامی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...!» (۲۰۰ / آل عمران)

در این آیه خدای تعالی جامعه اسلامی را خطاب قرار داده و می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بردباری کنید و با هم سازش و پیوند کنید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید!»

صبری که با عبارت «صابروا» بدان سفارش شده، صبر و تحمل اجتماعی است. بدیهی است که صبر و تحمل عمومی و همگانی از

نظر قدرت و نیرو و اثر بالاتر از صبر و تحمل انفرادی است. در ظرف اجتماع و همکاری‌های اجتماعی است که قدرت‌های فردی به

یکدیگر پیوند خورده و نیروی عظیمی را به وجود می‌آورد.

اتحاد و سازگاری در جامعه اسلامی (۱۱۵)

به کارگیری عبارت «رابطوا» می‌رساند که انسان چه در حال آسایش و چه در بلا و سختی لازم است که قدرت‌های معنوی خود را

روی هم ریخته و کلیه شئون حیاتی خویش را در پرتو یک تعاون و همکاری اجتماعی به سامان برساند.

چون این همکاری‌های اجتماعی به منظور نیل به سعادت واقعی دنیا و آخرت است، پس از کلمه «رابطوا» بلافاصله جمله «وَاتَّقُوا اللَّهَ

لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ!» آورده شده است. بدیهی است که یک سعادت واقعی و کامل، جز در پرتو همکاری اجتماعی میسر نیست، چه

آن که در غیر این صورت، اگر هم سعادت بی‌دست آید، یک سعادت کامل و همه جانبه‌ای نخواهد بود.

اجتماعی بودن انسان، از مطالبی است که اثبات آن، احتیاج به بحث زیادی ندارد، چه

(۱۱۶) مهاجرین و انصار

آن که خاصه «اجتماعی بودن» از فطریات هر فرد است. تاریخ و همچنین آثار باستانی که از قرون و اعصار گذشته حکایت می‌کند،

چنین نشان می‌دهد که انسان همیشه در جامعه و به طور دسته جمعی زندگی می‌کرده است.

قرآن در بسیاری از آیات خود، با بهترین طرزی از این موضوع خبر داده است. در آیه ۱۳ سوره حجرات فرموده:

«ای مردم، شما را از مرد و زن آفریدیم و دسته دسته و قبیله قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید.» در جای دیگر

می‌فرماید:

«ما خود روزی آن‌ها را در زندگی دنیا تقسیم کردیم و دسته‌ای را بر دسته دیگر به مراتبی برتری دادیم تا گروهی گروهی را

مسخر خدمت خود سازند!» (۳۲ / زخرف) - «او کسی است که بشر را از آب ساخت و خویشی و پیوند ازدواج را بین آنها اتحاد و سازگاری در جامعه اسلامی (۱۱۷) برقرار نمود!» (۵۴ / فرقان) (۱)

### رابطه فرد و اجتماع در اسلام

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...!» (۲۰۰ / آل عمران)

اسلام در تربیت افراد نوع انسان و راهنمایی او به سوی سعادت حقیقی، رابطه واقعی ای را که بین فرد و اجتماع وجود دارد، در نظر گرفته است.

۱- المیزان ج: ۷، ص: ۱۵۴.

(۱۱۸) مهاجرین و انصار

خدای تعالی می‌فرماید:

- «او کسی است که بشر را از آب آفرید، پس این آفرینش را در پیوند خویشی و ازدواج قرار داد!» (۵۴ / فرقان)

- «ای مردم! شما را از یک مرد و زن آفریدیم!» (۱۳ / حجرات)

- «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ!» (۱۹۵ / آل عمران)

رابطه حقیقی ای که بین فرد و اجتماع برقرار است، موجب این می‌شود که خواص و آثار فرد در اجتماع نیز پدید آید و به همان نسبت که افراد از نیروها و خواص و آثار وجودی خویش جامعه را بهره‌مند می‌سازند، این حالات یک موجودیت اجتماعی نیز پیدا می‌نمایند.

و لذا می‌بینیم: قرآن برای «ملت» وجود، اصل، کتاب، شعور، فهم، عمل، طاعت و

رابطه فرد و اجتماع در اسلام (۱۱۹)

معصیت اعتبار فرموده و می‌گوید:

- «برای هر ملت، اجل و دوره‌ای است که وقتی به پایان رسد، نه لحظه‌ای عقب افتند و نه لحظه‌ای پیشی گیرند!» (۳۴ / اعراف)

- «و هر امتی به سوی کتاب خود خوانده می‌شود.» (۲۸ / جاثیه)

- «عمل هر امتی را در نظرش زینت دادیم.» (۱۰۸ / انعام)

- «دسته‌ای از آنها ملتی میانه‌رو هستند.» (۶۶ / مائده)

- «ملتی قائم و برپا، که آیات خدا را تلاوت کنند.» (۱۱۳ / آل عمران)

- «هر ملتی می‌کوشید تا پیغمبر خود را بگیرند و در راه باطل خود با او جدال ورزند، تا حق را پایمال سازند، ولی ما آنان را گرفتیم،

چگونه بود عقاب!!» (۵ / غافر)

- «برای هر ملتی رسولی است و وقتی که آن رسول بیامد، حکم به عدل می‌شود و کسی ستم نمی‌شود!» (۴۷ / یونس)

(۱۲۰) مهاجرین و انصار

با توجه به این حقیقت است که می‌بینیم، همان طور که قرآن به داستان‌های اشخاص اهمیت داده، بیش از آن به تاریخ ملت‌ها اهمیت داده است. و این در آن هنگام بوده است که بشر تاریخی جز ذکر حالات اشخاصی از قبیل پادشاهان و بزرگان، نداشته است.

تاریخ‌نویسان تا بعد از نزول قرآن هیچ توجهی به تاریخ ملت‌ها و اجتماعات نداشته‌اند و این بعد از نزول قرآن بوده که بعضی از مورخین، از قبیل مسعودی و ابن خلدون، کم و بیش توجهی به تاریخ ملت‌ها نموده و به ذکر حوادث آن پرداخته‌اند. این همین‌طور ادامه داشت، تا این که در همین اواخر به طور کلی تحول در تاریخ به وجود آمد و تاریخ اشخاص به تاریخ ملت‌ها تبدیل گشت.

رابطه فرد و اجتماع در اسلام (۱۲۱)

خلاصه همان‌طور که اشاره کردیم، این رابطه حقیقی که بین فرد و اجتماع موجود است، موجب یک سلسله قوا و خواص اجتماعی می‌گردد، که از هر جهت، بر قوا و خواص فردی برتری داشته و در صورت تعارض بر آن غالب شده و مقهورش می‌سازد. اسلام بیش از همه ادیان و ملل به اجتماع اهمیت داده است. اسلام مهمترین دستورات دینی خود را، از قبیل حج و نماز و جهاد و انفاق و بالاخره هر گونه تقوای دینی را، بر اساس جامعه‌بنیان گذاشته است. (۱)

۱- المیزان ج: ۷، ص: ۱۶۲.

(۱۲۲) مهاجرین و انصار

### ضامن اجرائی احکام اجتماعی اسلام

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...!» (۲۰۰ / آل عمران)

ضامن اجرائی احکام اجتماعی اسلام، علاوه بر سازمان حکومتی اسلام، که موظف به حفظ شعائر عمومی دین و حدود آنهاست و علاوه بر فریضه دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، که بر تمام افراد مسلمین واجب است، این است که: قرآن هدف عالی اجتماع اسلامی را سعادت حقیقی و قرب و منزلت پیدا کردن نزد خدا، قرار داده است. بدیهی است هر اجتماعی، ناچار، دارای یک هدف و غرض مشترک است و این است غرض و هدف مشترک اجتماع اسلامی از نظر قانونگذار آن!

ضامن اجرائی احکام اجتماعی اسلام (۱۲۳)

میل وصول به هدف مقدس فوق‌الذکر، خود یک ضامن اجرائی بزرگ و یک مراقب جدی باطنی برای حفظ و اجرای احکام اسلام است.

علاوه بر جهات ظاهری، حتی تمام زوایای نیمه روشن باطن انسان، برای پلیس باطنی روشن و نمودار است، اگرچه حیانا این دو نیروی بزرگ (پلیس باطن - و دعوت به خیر) بر رهبران کنونی اجتماعی بشر مخفی مانده است و بدان اهتمام نشان نمی‌دهند. اسلام در راه اجرای قوانین خویش، از نیروی این پلیس باطن، حداکثر استفاده را نموده است. به همین جهت است که می‌گوییم روش اسلام در اهتمام به اجتماع بر سایر روش‌ها برتری دارد! (۱)

۱- المیزان ج: ۷، ص: ۱۶۴.

(۱۲۴) مهاجرین و انصار

### دوام روش‌های اجتماعی اسلام

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...!» (۲۰۰ / آل عمران)

گفته شده: «اگر روش اسلام در پی‌ریزی یک اجتماع صالح، حتی از اجتماعاتی که به وسیله ملت‌های متمدن پی‌ریزی شده، متقن‌تر و اساسی‌تر است، پس چرا اجتماعی که اسلام پی‌ریزی کرد، جز در مدت بسیار کوتاهی دوام نیاورد و نتوانست خود را حفظ کند، تا چه رسد به این که جامعه‌های قیصر و کسری را متحول سازد، بلکه در مدت



دوام روش‌های اجتماعی اسلام (۱۲۵)

اندکی یک امپراطوری جدید به دنبال حکومت اسلامی به وجود آمد، که به مراتب از قبلش شنیع‌تر بود و فجایعش روی گذشته را سفید کرد. این درست بر خلاف تمدن غرب است، که توانسته در امتداد زمان جلو آمده و موجودیت خود را حفظ کند و همین دلیل بر این است که تمدن غرب متری‌تر و روش اجتماعی آن از نظر اساس محکم‌تر است. آنان روش اجتماعی و قوانین موضوعه خود را مبتنی بر اراده و تمایلات ملت نموده‌اند و چون اتفاق کلمه یک ملت عادتاً محال است، ملاک عمل را اراده اکثریت قرار داده‌اند. اما فرضیه دین در دنیای امروز یک فرضیه صد در صد ایده‌آلی است که هیچ‌گاه از مرحله تئوری خارج نشده و نمی‌توان پی و اساس یک اجتماع را مبتنی بر آن نمود...؟!» در پاسخ باید گفت:

این که گفته‌اند - روش اجتماعی اسلام در دنیای امروز غیر قابل اجراست و تنها

(۱۲۶) مهاجرین و انصار

سیستم اجتماعی تمدن عصر کنونی است که در شرایط موجود قابل اجرا می‌باشد، به این معنی که شرایط حاضر جهان هیچ‌گونه سازش و تناسبی با احکام دین اسلام ندارد - مطلبی است مسلم! ولی نتیجه‌ای که گرفته‌اند از آن به دست نمی‌آید، زیرا جمعی روش‌هایی که تاکنون بر جوامع حکومت کرده‌اند، روش‌های ازلی نبوده‌اند، بلکه همه آن‌ها در زمانی که شرایط و اوضاع عمومی جهان آماده گسترش و بسطشان نبوده است، قدم به عرصه وجود گذاشته و با عوامل مخالف و روش‌های کهنه‌ای که با سرشت افراد آمیخته شده بود به مبارزه برخاسته‌اند و چه بسا که در آغاز امر در این مبارزه شکست خورده و عقب‌نشینی کرده‌اند ولی باز برای دومین بار و سومین بار مبارزه را از سر گرفته‌اند تا این که سرانجام پیروزی را به دست آورده‌اند و جای خود را در اجتماعات بشر باز نموده و حکومت خود را مستقر کرده‌اند و یا آن که در اثر

دوام روش‌های اجتماعی اسلام (۱۲۷)

مساعد نبودن عوامل و شرایط به طور کلی منقرض شده و از بین رفته‌اند.

تاریخ نشان می‌دهد که تمام روش‌های دینی و یا دنیوی، حتی روش دموکراسی و نظام اشتراکی نیز این جریان مبارزه و پیروزی و شکست را طی نموده‌اند.

(خواننده گرامی توجه دارد که این مقالات، سال‌ها قبل از فروپاشی نظام اشتراکی کمونیستی در جهان معاصر، نوشته شده است.)

اشاره به همین معنی است آیه شریفه قرآن کریم که می‌فرماید:

«قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ!

- قبل از شما ملت‌هایی بوده‌اند که منقرض شده و از بین رفته‌اند، در زمین گردش کنید و ببینید که چگونه بوده عاقبت

کار آنان که آیات الهی را تکذیب کرده‌اند!!» (۱۳۷ / آل عمران)

(۱۲۸) مهاجرین و انصار

این آیه می‌فرماید: روش‌هایی که همراه تکذیب آیات الهی است دارای سرانجام نیک نمی‌باشند!

بنابراین، اگر یک نظام اجتماعی با شرایط و اوضاع موجود زمانی منطبق نباشد، این عدم انطباق دلیل بر بطلان آن نمی‌باشد! بلکه این خود یک ناموس طبیعی است، به این معنی که لازم است یک سلسله روش‌ها و سنت‌های غیر قابل انطباق با محیط به وجود آید، تا در اثر فعل و انفعال و تنازع عوامل مختلف و متضاد، راه برای یک سلسله پدیده‌های تازه اجتماعی باز شود!

اسلام هم از این قاعده عمومی مستثنی نبوده و از نظر طبیعی و اجتماعی مانند سایر نظام‌هاست، بنابراین، وضع اسلام در پیروزی و شکست و تکیه بر عوامل و شرایط عیناً مانند سایر مرام‌هاست و وضعیت اسلام و دین در عصر حاضر (که بر

دوام روش‌های اجتماعی اسلام (۱۲۹)

بیش از یک میلیارد نفر از افراد بشر حکومت کرده و در قلب آن‌ها ریشه دوانیده است، ضعیف‌تر از زمان دعوت حضرت نوح و ابراهیم و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله نیست!!

و ما می‌دانیم که این رهبران آسمانی، یکه و تنها دعوت خود را، در محیطی که جز فساد حاکمی بر آن نبوده است، شروع کرده و به تبلیغ مرام خود پرداخته‌اند. مرام آن‌ها کم‌کم بسط و توسعه پیدا نموده و در جان و سرشت مردم جای گرفته و روح زندگی و به هم پیوستگی پیدا نموده است، تا این که در امتداد زمان تا به امروز جلو آمده است!

پیغمبر گرامی اسلام نیز، در موقعی که، جز یک مرد و یک زن حامی و پشتیبان نداشت، برنامه تبلیغاتی خود را شروع کرد، تا این که مردم کم‌کم و یکی پس از دیگری به آنان ملحق شدند. آن ایامی بسیار دشوار بود، تا این که خدای متعال یاری کرد و آن عده به صورت اجتماع شایسته‌ای، که صلاحیت و پرهیزکاری بر آن حاکم

(۱۳۰) مهاجرین و انصار

بود، متشکل شدند و تا مدتی هم که خیلی دراز نبود، بر همین حال باقی ماندند، ولی بعد از رحلت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، این اجتماع صالح، از مسیر اصلی خود منحرف شد و فتنه‌هایی پدید آمد!

ولی همین جامعه صالح، با محدودیتی که داشت، توانست در کمتر از نیم‌قرن دایره حکومت خود را تا شرق و غرب جهان گسترش دهد و یک تحول واقعی که هنوز آثار با اهمیت آن را می‌بینیم و خواهیم دید، در تاریخ بشریت به وجود آورد!

- (خواننده عزیز را توجه می‌دهیم به این واقعیت عجیب که این مطالب را علامه بزرگوار زمانی در المیزان نگاشته که نه جامعه اسلامی ایران انقلاب عظیم خود را راه انداخته و نه حکومت اسلامی آن با شایستگی تمام برقرار گشته و نه جامعه مردمسالار دینی آن در بین جوامع امروزی سر برافراشته است.

دوام روش‌های اجتماعی اسلام (۱۳۱)

از طرف دیگر هم هنوز حکومت کمونیستی شوروی از هم نپاشیده و حتی چنین تحولاتی به فکر کسی هم نمی‌رسیده است و این دلیل بر درک عمیق آن مرحوم از شایستگی روش اجتماعی اسلام و بیان این چنینی آن است، که مورد اعجاب هر دانشمندی است.)

(۱۳۲) مهاجرین و انصار

### تأثیر روش‌های اجتماعی اسلام بر جامعه انسانی

بحث‌های اجتماعی‌ای که در خصوص تاریخ نظری انجام می‌گیرد، می‌تواند این مطلب را آشکار سازد که تحول عصر حاضر صرفاً مولود طلوع اسلام و روش خاص آن بوده است.

تنها عصیبت دینی و یا جهات سیاسی است که بیشتر فضلالی اروپایی را از اقرار به این حقیقت بازداشته است و آنان از تذکر تأثیر عظیم اسلام در جامعه انسانی، طفره رفته‌اند، و گرنه ممکن نیست یک بحث‌کننده مطلع و باانصاف، نهضت تمدن جدید را یک نهضت مسیحی بداند و چنین معتقد باشد که این تحول تحت پرچم مسیح و به رهبری او انجام گرفته است، در صورتی که مسیح علیه‌السلام خود به این معنی تصریح کرده که آنچه

تأثیر روش‌های اجتماعی اسلام بر جامعه انسانی (۱۳۳)

در نظر من مهم است، روح است نه جسم!! و اصولاً دین مسیح در برنامه کار خود هیچ‌گونه توجهی به امر حکومت نداشته است.

و این اسلام است که مردم را به اجتماع و همکاری دعوت نموده و در هر شأن فردی و اجتماعی بدون استثناء دخالت کرده است! با این ترتیب، آیا نادیده گرفتن این امتیازات، از طرف علمای غرب، جز به این منظور بوده که، از روی ظلم و دشمنی نورانیت اسلام را خاموش ساخته و آتشی را که در دل‌ها برافروخته، فرو نشانند؟! آیا جز برای این است که سرانجام اسلام را به نام یک مرام نژادی، که اثری جز ایجاد یک ملیت و گروه تازه‌ای، نداشته است، معرفی کنند؟!!

### ابراز صلاحیت اسلام برای رهبری جامعه بشری

(۱۳۴) مهاجرین و انصار

اسلام صلاحیت خود را در رهبری بشر به سوی سعادت و یک زندگی پاکیزه به ثبوت رسانیده است. روشی که دارای چنین صلاحیتی است، نمی‌توان آن را یک فرضیه غیرقابل انطباق بر زندگی انسان‌ها نامید و این روش با توجه به این که هدفش تضمین سعادت حقیقی انسان است، هرگز ناامید از عهده‌دار شدن سرپرستی امور دنیوی مردم، نمی‌باشد! (۱)

### اختلاف شعارهای اجتماعی اسلام با غرب

۱- المیزان ج: ۷، ص: ۱۶۵.

اختلاف شعارهای اجتماعی اسلام با غرب (۱۳۵)

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...!» (۲۰۰ / آل عمران)

شعار اجتماع اسلامی: پیروی کردن حق در فکر و عمل است. شعار اجتماع متمدن عصر حاضر: پیروی کردن از اراده اکثریت است. اختلاف در شعار، موجب اختلاف در هدف نهایی اجتماع نیز خواهد بود. بنابراین، هدف اجتماع اسلامی، سعادت حقیقی مبتنی بر عقل است. بدین معنی که می‌کوشد: انسان، تعادلی در مقتضیات غرایز و نیروهای خود برقرار کرده، تا آن اندازه، در اقناع غرایز قدم بردارد که او را از عبادت، که وسیله عرفان حق است، باز ندارد. بلکه پرداختن به جسم خود برای وصول به آن مقصد باشد و در پرتو این تعادل، که موجب

(۱۳۶) مهاجرین و انصار

سعادت قوای انسانی است، سعادت انسان نیز تأمین شده است.

باید دانست که راحتی و آسایش بزرگ هم همین است، گو این که ما به سبب مختل شدن تربیت اسلامی، آن طور که باید، این معنی را درک نکرده‌ایم!

اسلام برای وصول به هدف نهایی‌ای که برای جامعه خود در نظر گرفته، در تمام قوانین خود، لحاظ جانب عقل را نموده است، آن چنان عقلی که، پیروی از حق، در سرشت آن نهفته است.

اسلام از هر چه موجب فساد عقل گردد، شدیداً جلوگیری فرموده و ضمانت اجرایی کلیه اعمال و اخلاق و معارف اصلی را به عهده خود اجتماع قرار داده است. این اضافه بر آن وظایفی است که حکومت در اجرای حدود و تدبیر امور سیاسی و نظایر آن، دارد.

اختلاف شعارهای اجتماعی اسلام با غرب (۱۳۷)

بدیهی است این روش، در هر صورت، با طبع عامه مردم سازگار نیست و این مردم دارا و نادار هستند که در اثر فرو رفتن در هوس‌ها و آرزوهای خود به مبارزه با این روش بر می‌خیزند، چه آن که این روش آزادی آن‌ها را در بهره‌مند شدن از لذت‌ها و شهوترانی‌ها و درندگی‌ها، سلب می‌نماید.

برطرف کردن این حالت ممکن نیست مگر بعد از آن که به موازات سایر تلاش‌هایی که جامعه با یک اراده قاطع و پیگیر، در راه رفع نیازمندی‌های خود می‌کند، تلاشی هم در راه نشر دعوت اسلامی و تربیت صحیح آن انجام دهد و با این ترتیب، زمینه توسعه روش عالی اسلام را در جامعه مهیا سازد!

### هدف جامعه متمدن امروز

(۱۳۸) مهاجرین و انصار

هدف جامعه متمدن امروز بهره‌برداری از شئون مادی است. بدیهی است که این هدف، یک زندگی احساساتی را به دنبال دارد و در این زندگی است که انسان همیشه به دنبال تمایلات خود قدم بر می‌دارد، خواه موافق با حق و منطبق با موازین عقل باشد یا نه! و خلاصه در جایی پیروی از عقل می‌کند که مخالف با هدف و غرض مادی او نباشد و به همین جهت است که مبنای وضع قوانین در دنیای امروز اراده و تمایلات اکثریت است.

در یک چنین اجتماعی، ضمانت اجرا، تنها برای همان مواد قانونی است که مربوط به اعمال مردم است، اما اخلاق و معارف اصلی فاقد ضمانت اجرائی بوده و مردم در این شئون، از آزادی کامل برخوردار خواهند بود. البته در صورتیکه این آزادی مزاحم سیر و اجرای قانون باشد، محدود شده و هرگونه عملی که مزاحمتی با قانون داشته باشد،

هدف جامعه متمدن روز (۱۳۹)

ممنوع می‌گردد. لازمه یک چنین زندگی، این است که مردم با هواهای نفسانی و رذایل اخلاقی، خو گرفته و بسیاری از مطالب را، که دین تقبیح نموده، پسندیده بشمارند و به نام آزادی قانون، با هرگونه فضیلت اخلاقی و معارف عالی انسانیت بازی کنند. لازمه این جریان این است که، زندگی عقلی مبدل به یک زندگانی احساس و عاطفی شود و اموری را که عقل فسق و فجور می‌داند، به فتوای امیال و احساسات آدمی، تقوی خوانده شده و نام جوانمردی و خوش‌روئی و خلق نیک به خود گیرند، مانند بسیاری از اموری که امروزه در اروپا بین مردان و زنان شوهردار و دختران و بین زنان و سگ‌ها و بین مردان و اولاد محارمشان، جریان دارد و یا مانند شب‌نشینی‌ها و مجالس رقص و امور دیگری که یک انسان متدین به آداب دینی، حتی از ذکر نام آن‌ها خودداری می‌کند و چه بسا که آداب و رسوم دین، در نظر این قبیل مردم مسخره و خنده‌آور باشد، همان طور که آداب و رسوم آن‌ها نیز در نظر مردان دین عجب و مضحکه است.

(۱۴۰) مهاجرین و انصار

این‌ها همه در اثر اختلافی است که در طرز تفکر و نحوه ادراک این دو دسته موجود است و این اختلاف خود نتیجه اختلاف روش آن‌هاست.

### علت سازگار بودن تمدن غرب با ذائقه مردم

تأمل در اختلاف این دو روش، علت سازگار بودن تمدن غرب را با ذائقه روحی مردم، روشن می‌سازد و نیز روشن می‌شود که چرا روشی را که دین برای اجتماع تعیین کرده، موافق با طبع عامه مردم نیست و این موافق بودن با مذاق عمومی مردم، تنها مخصوص به روش غرب نیست، تا این که اثبات مزیتی بر آن باشد، بلکه جمیع

علت سازگار بودن تمدن غرب با ذائقه مردم (۱۴۱)

روش‌هایی که از اعصار باستانی تاکنون در میان بشر معمول شده، چه روش‌های قبل از تمدن و چه بعد از آن، این خصوصیت را داشته و دارند، که همیشه مردم آن‌ها را در بدو امر بر روش‌های دینی، که آنان را به سوی حق، دعوت می‌کرده،

ترجیح می‌دادند.

این از جهت خضوعی است که اصولاً بشر در مقابل بت پرستی مادی دارد و اگر خوب تأمل بکنیم متوجه خواهیم شد که تمدن کنونی نیز، مخلوطی از همان بت پرستی باستانی است، که رنگ اجتماعی به خود گرفته و از حالت بسیطی به یک مرحله دقیق فنی، در آمده است.

روش اسلام، که پیروی از حق را به جای سازش با تمایلات مردم، ارائه می‌دهد، ریشه در آیات قرآنی دارد، آنجا که خدای تعالی می‌فرماید:

(۱۴۲) مهاجرین و انصار

- «اوست که رسول خود را با دین حق و به منظور هدایت مردم فرستاد!» (۳۴ / توبه)

- «و خدا به حق حکم می‌کند!» (۲۰ / مؤمن)

در توصیف مؤمنین می‌فرماید:

- «آنها به حق توصیه و سفارش می‌کنند!» (۳ / عصر)

و در آیه ۷۸ سوره زخرف می‌فرماید:

- «ما حق را برای شما آوردیم ولی بیشتر شما از حق کراهت دارید!»

در این آیه اعتراف کرده به این که حق سازشی با تمایلات اکثریت و هوس‌های ایشان ندارد و سپس لزوم موافقت با اکثریت و هواهای آنها را به نام این که، موجب فساد است، رد نموده و می‌فرماید:

- «بلکه با دین حق به سوی آنان آمده و بیشتر آنان از حق کراهت دارند! اگر حق تابع

علت سازگار بودن تمدن غرب با ذائقه مردم (۱۴۳)

هوس‌های آنان می‌شد، آسمان و زمین و هر چه در آنهاست فاسد می‌گشت! بلکه آنان را اندرز دادیم، ولی آنان اعراض نموده و روگردان شدند!» (۷۰ و ۷۱ / مؤمنون)

و ما می‌بینیم که جریان حوادث و روزافزون شدن حجم فساد، مفاد این آیه را تصدیق می‌کند. و باز خداوند تعالی و تبارک می‌فرماید:

- «بعد از حق، جز گمراهی نیست، پس به کجا می‌روید؟» (۳۲ / یونس)

### نقدی بر روش پیروی از اکثریت در اداره جامعه

این که می‌گویند: روش پیروی از اکثریت، یکی از قوانین قطعی طبیعت است، سخنی است درست و شکی نیست که بروز آثار در طبیعت به طور غالب است، نه به طور

(۱۴۴) مهاجرین و انصار

دائم! چیزی که هست، آن که این مطلب نمی‌تواند لزوم پیروی حق را ابطال نموده و به مبارزه با آن برخیزد، چه آن که خود این ناموس طبیعی نیز، از مصادیق حق است و چگونه ممکن است چیزی که خود مصداق حق است، حق را ابطال کند؟! آراء و عقاید و نظرات اکثریت، در مقابل اقلیت را نمی‌توان همیشه حق دانست. اگر آن آراء مطابق با واقع خارج بود حق است و اگر مطابق با واقع عینی نبود، حق نیست و در این صورت سزاوار نیست که انسان در مقابل آن خاضع شود و حتماً هم خاضع نخواهد شد.

بدیهی است که اگر انسان خود واقع را بفهمد هرگز در مقابل نظر اکثریتی که برخلاف واقع می‌باشد، تسلیم نمی‌شود و اگر هم

ظاهراً تسلیم شود، این یک تسلیم واقعی نیست، بلکه به واسطه ترس یا حیا و یا جهات دیگر است که تسلیم می‌گردد، پس نقدی بر روش پیروی از اکثریت در اداره جامعه (۱۴۵)

این تسلیم نه به آن جهت است که اصولاً نظر اکثریت حق و ذاتاً واجب‌الاتباع است! بهترین بیانی که این معنی را افاده کرده و می‌گوید که نظر اکثریت همیشه حق و واجب‌الاتباع نیست این آیه شریفه قرآن کریم است که می‌فرماید: «يَلْجَأُ بَالْحَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ! بلکه با دین حق به سوی آن‌ها آمد ولی بیشتر آن‌ها از حق کراهت دارند!» (۷۰ / مؤمنون) و به این ترتیب روشن شد که پیروی از نظر و فکر اکثریت، به نام این که - این یک سنت و ناموس طبیعی است - امری فاسد است! (۱)

### تفرق در امت اسلامی

۱- المیزان ج: ۷، ص: ۱۷۰.

(۱۴۶) مهاجرین و انصار

«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...!» (۱۰۳ / آل عمران)

از «مشهورات» روایات نیز در این که چگونه امت اسلامی فرقه فرقه خواهد شد و از راه و روش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و سفارش «ثقلین» دور خواهد افتاد، روایت زیر است که در اکثر کتاب‌های حدیث و روایت نقل شده است، که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام گفت:

- «از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که فرمود: پیروان موسی بعد از او هفتاد و یک فرقه شدند، یک دسته از آنان اهل نجاتند، هفتاد فرقه دیگر اهل آتشند! پیروان عیسی نیز بعد از او هفتاد دو فرقه شدند، که یک دسته از آنان اهل نجاتند و هفتاد و یک فرقه دیگر اهل آتشند! به زودی امت من هم بعد از خودم هفتاد و سه فرقه خواهند شد، که یک فرقه آن‌ها اهل نجاتند و هفتاد و تفرق در امت اسلامی (۱۴۷)

دو فرقه اهل آتش خواهند بود!

(نقل از امام صادق علیه‌السلام از طریق سلیمان بن مهران)

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

- «روز قیامت جماعتی از اصحابم - یا گفت جماعتی از امتم - به من وارد می‌شوند در حالی که از ورودشان به حوض کوثر مانع می‌شوند، گویم: پروردگارا، اینان اصحاب من هستند؟! فرماید: ندانی پس از تو چه کردند؟ آنان به روش جاهلیت خود برگشتند، لذا از ورودشان به حوض کوثر مانع شدند!»

روایات نامبرده و آنچه در زیر نقل می‌شود، با کثرت و تفاوتی که دارند، تماماً آنچه را که در آینده اتفاق افتاد و همچنین فتنه‌ها و حوادثی که پس از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله پیش آمد آن را تصدیق کرد!

(۱۴۸) مهاجرین و انصار

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

- «شما عیناً روش و سنت‌های امت‌های قبلی (یهود و نصاری) را پیش می‌گیرید و از طریقه آنان حتی یک وجب منحرف نمی‌شوید، حتی اگر آنان داخل سوراخ سوسماری شده باشند، شما هم داخل می‌شوید... شما دستگیره‌های اسلام را یک یک خواهید شکست! اول چیزی که از آن‌ها می‌شکنید "امانت" و آخرش "نماز" است!»

(نقل از تفسیر قمی و سایر کتب و صحاح)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که اندازه یک وجب از جماعت جدا شود، حلقه اسلام را از گردن خود بیرون آورده، مگر آن که بر گردد! کسی هم که بمیرد و مطیع امام و پیشوای جماعت نباشد، مردنش مردن جاهلیت خواهد بود!» (نقل از صحیح حاکم از ابن عمر) تفرق در امت اسلامی (۱۴۹)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که بمیرد و امام و پیشوای زمان خود را نشناسد، مردنش چون مردن زمان جاهلیت است!» این حدیث از روایات مشهور شیعه و سنی است. (۱)

۱- المیزان ج: ۶، ص: ۲۸۳.

(۱۵۰) مهاجرین و انصار

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی



ب) تولید صداها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه  
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...  
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای  
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)  
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...  
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه  
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:  
[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور  
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی  
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل  
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق  
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱  
 به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده  
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار  
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،  
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی  
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از  
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،  
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی



همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

